

تأملی در شیوه‌های تفسیری روزبهان بقلی در عرایس البیان

مهديه پیری اردکانی، مهدی ملک ثابت*، محمد خدادادی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده زبان و ادبیات، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

سال هفدهم، شماره نهم، آذر ۱۴۰۳، شماره پی در پی ۱۰۳، صص ۹۳-۱۲۴

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7531>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: عرایس البیان مهمترین اثر روزبهان بقلی، از عرایس قرآنی‌نژاد نامور در سده ششم هجری است. جستار حاضر با استقصای نام این کتاب؛ یعنی با مطالعه ۱۳۷۲ شاهد مختلف شرح آیات قرآن که ۷۷۲ مورد آن با کمک آیات دیگر و ۶۰۰ مورد آن با کمک احادیث گوناگون صورت گرفته، کاربرد روشهای تفسیری «قرآن به قرآن»، «روایی» (بالمأثور) و «ذوقی-عرفانی» (تأویل) را در این اثر واکاوی کرده است. این پژوهش با تبیین خصوصیات و فراوانی هر یک از سه نوع تفسیر مزبور تلاش میکند دیدگاهی روشنتر نسبت به طرز تفسیر قرآن توسط روزبهان بقلی به دست دهد.

روش مطالعه: داده‌های مورد استفاده در این جستار از جستجو در منابع و مآخذ کتابخانه‌ای حاصل شده، سپس این داده‌ها با روش تحلیلی-توصیفی و گاهی، بسته به نیازهای پژوهشی، از طریق مقایسه مطالعه شده است.

یافته‌ها: در عرایس البیان، شواهد متعددی از هر سه روش تفسیری مزبور ملاحظه میشود، با وجود این، فراوانی شواهد روش تفسیر بالمأثور بیش از شواهد روش تفسیر قرآن به قرآن است. روزبهان در باب تفسیر قرآن به قرآن از دو روش بهره برده است. تفسیر یک آیه با ارجاع درون‌سوره‌ای به آیات همان سوره فراوانی ناچیزی در مقابل تفسیر با ارجاع برون‌سوره‌ای به آیات سایر سوره قرآن دارد. وی در تفسیر بالمأثور از احادیث متعددی استفاده کرده است. در شرحهای روایی او اولویت بارز با احادیث نبوی(ص) و سپس سخنان حضرت صادق(ع) است. احادیث قدسی و علوی(ع) با نسبت کمتری کاربرد داشته‌اند. تفسیر ذوقی-عرفانی مصداق تأویل آیات قرآن است و در کتاب روزبهان، شواهد تأویل آنگاه که با کمک آیات و روایات صورت میگیرد در تعادل با شواهد تفسیر است، اما وی بسیاری از آیات قرآن را نیز بدون ارجاع به آیات دیگر و یا احادیث تأویل کرده است.

نتیجه‌گیری: در عرایس البیان، در کنار شواهد تفسیر ذوقی-عرفانی، شواهد متعددی برای تفسیر قرآن به قرآن و تفسیر روایی(بالمأثور) ملاحظه میشود. این واقعیت از یکسو نشاندهنده تسلط روزبهان بر سوره و آیات قرآن کریم و نیز منابع مختلف حدیث است. همچنین، استفاده بجا و گسترده از آیات و روایات برای شرح آیات قرآن که مبتنی بر کشف ارتباطات ظریف و دقیق میان آنهاست، حضور ذهن و قدرت تداعی معانی قوی روزبهان را گواهی میدهد. از سوی دیگر، شواهد مختلف تفسیر قرآن به قرآن و تفسیر بالمأثور بیانگر آن است که کتاب مزبور را نمیتوان صرفاً اثری در شرح ذوقی-عرفانی قرآن معرفی کرد، بلکه آن را باید واجد ابعاد گسترده تفسیری و تأویلی دانست.

تاریخ دریافت: ۲۴ دی ۱۴۰۲

تاریخ داوری: ۲۵ بهمن ۱۴۰۲

تاریخ اصلاح: ۱۰ اسفند ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۲۷ فروردین ۱۴۰۳

کلمات کلیدی:

روزبهان بقلی، عرایس البیان،

تفسیر بالمأثور، تفسیر عرفانی

* نویسنده مسئول:

mmaleksabet@yazd.ac.ir

۳۱۲۳۴۴۴۴ (۹۸ ۳۵) +



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

A reflection on Ruzbihan Baqli's interpretation methods in Arais al-Bayan

M. Piri Ardekani, M. Malek Sabet*, M. Khodadadi

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Language and Literature, University of Yazd, Yazd, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 14 January 2024
 Reviewed: 14 February 2024
 Revised: 29 February 2024
 Accepted: 15 April 2024

KEYWORDS

Ruzbihan Baqli, Arais al-Bayan,
 Documented interpretation of
 Quran, Mystical interpretation of
 Quran

*Corresponding Author

✉ mmaleksabet@yazd.ac.ir

☎ (+98 35) 31234444

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Arais al-Bayan is the most considerable work of Ruzbihan Baqli, a renowned mystic and Qur'an researcher in the 12th century. The present study is based on the complete investigation of this book, scrutinizing 1372 different examples of the explanation of the verses of the Quran, including 772 formed with the help of other verses and 600 of which with the help of various hadiths. It studied his application of three methods, including "Quran to Quran", "Hadith documented", and chimerical-mystical method of interpretation. By explaining the characteristics and abundance of each of the three types of interpretation, this research tries to give a clearer view of the interpretation of the Qur'an by Ruzbihan Baqli.

METHODOLOGY: The data used in this study is out of the search in library sources. Then, the data are scrutinized by the method of description and analysis and sometimes, depending on the investigation requirements, through comparison.

FINDINGS: In Arais al-Bayan, all three methods of interpretation have numerous instances. Despite this, the abundance of evidence of the Hadith-documented method of interpretation is more than the interpretation of the Qur'an to the Qur'an. Ruzbihan has used two methods in interpreting the Qur'an to the Qur'an: intra-sura and inter-sura reference. The latter method has a clearer privilege than the first one. He has used many hadiths in his interpretation of the verse. In his book, the clear priority is the hadiths of the Prophet (pbuh) and then the words of Hazrat Sadiq (pbuh). Qudsi and Alavi hadiths have been used in a lesser proportion. The chimerical-mystical interpretation is Ruzbihan's third method for interpretation of Quranic verses. The frequency of this type is equal to documented interpretation.

CONCLUSION: In Arais al-Bayan, in addition to the evidence of chimerical-mystical interpretation, there are numerous instances of Qur'an to the Qur'an and Qur'an to Hadith. This fact shows Ruzbihan's vast knowledge of the Qur'an and Hadiths. Also, the proper and extensive use of verses and Hadiths to explain the verses of the Qur'an, which is based on the discovery of subtle and precise connections between them, proves the presence of the mind and the power of associating the subjects in Ruzbihan. On the other hand, the various evidences of interpretation of the Qur'an to the Qur'an and Qur'an to Hadith show that the book should not be considered merely a chimerical-mystical explanation of the Qur'an verses. However, instead, it should be considered as having broad dimensions of interpretation.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7531>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 35	 0	 25

مقدمه

روزبهان بقلی از عارفان شهیر قرن ششم هجری است که آثار ارزشمندی در حوزه تفسیر عرفانی آیات قرآن و احادیث نبوی(ص) تألیف کرده است. از جمله آثار او نخستین شرح عرفانی قرآن کریم با عنوان *عرایس البیان فی حقایق القرآن* است. این جستار با استقصای تام *عرایس البیان*، تلاش کرده شیوه‌های روزبهان در شرح آیات قرآن، شامل «تفسیر قرآن به قرآن»، «تفسیر قرآن با حدیث» (بالمأثور یا روایی) و «تفسیر ذوقی-عرفانی» (تأویل) را مطالعه کند و از این مسیر، به دقایقی از طرز مواجهه او با آیات کتاب الله دست یابد. پرسشهای اصلی این تحقیق چنین است: ۱- در *عرایس البیان*، تفسیر قرآن به قرآن چگونه در تشریح معانی آیات کتاب الله به کار رفته است؟ ۲- روزبهان در *عرایس البیان*، از روش تفسیر بالمأثور (روایی) چگونه برای تبیین مفاهیم آیات قرآن کریم سود جسته است؟ ۳- روش تفسیر ذوقی-عرفانی (تأویل) آیات قرآن کریم چه جایگاهی در *عرایس البیان* روزبهان بقلی دارد؟ در این مقاله، برای دستیابی به پاسخ پرسشهای فوق از مطالعه منابع کتابخانه‌ای و روش تحلیلی-توصیفی و مقایسه استفاده شده است. این پاسخها از یکسو برای دانشجویان، محققان و علاقه‌مندان ادبیات، روشنگر ظرایف ادبیات صوفیانه است و از سوی دیگر، پژوهشگران علوم قرآن و حدیث را با برخی ویژگیهای تفسیر قرآن در آثار یکی از عرفای مشهور سده ششم هجری آشنا میسازد.

سابقه پژوهش

در تحقیقاتی که پیرامون آثار روزبهان بقلی صورت گرفته، اثری که مسأله اصلی آن بررسی انواع تفسیر در *عرایس البیان* باشد، ملاحظه نشد. از میان پژوهشهای مختلف، آثار زیر ارتباط بیشتری با تحقیق حاضر دارند: الصاوی در «روزبهان و تفسیر *عرایس البیان*» (۱۳۶۶) به اهمیت دریافتهای کشف و شهودی برای تأویل قرآن اشاره کرده است. او با بررسی کتاب مزبور چنین نتیجه‌گیری کرده که *عرایس البیان* یک شرح ذوقی-عرفانی است (الصاوی، ۱۳۶۶: ۲۴-۲۲). این در حالی است که جستار حاضر علاوه بر جنبه ذوقی-عرفانی، سایر رویکردهای تفسیری را در *عرایس البیان* مطالعه کرده است.

میردامادی در «آراء عرفانی و تفسیری روزبهان شیرازی (بقلی)» (۱۳۸۵) با تفکیک و تمایز میان روش تفسیر از روش تأویل قرآن، به تحلیل سیر تشریح معانی قرآن در آثار روزبهان پرداخته است. او معتقد است که روزبهان ابتدا به تفسیر می‌پرداخته، اما در طی زمان رو بسوی تأویل آورده، با اینحال، او هرگز معنای لغوی آیات را بطور کامل رها نکرده، ولی بتدریج به دریافتهای درونی خویش بهای بیشتری داده است (میردامادی، ۱۳۸۵: ۴۷-۴۴). تفاوت اصلی جستار حاضر با پژوهش میردامادی در این است که تفسیر قرآن با قرآن، تفسیر روایی و تفسیر عرفانی را همزمان در یک اثر واحد واکاوی کرده است.

شیخ الاسلامی و رضایی در «بینش نقش‌اندیش روزبهان در تفسیر *عرایس البیان فی حقایق القرآن*» (۱۳۹۰)، این کتاب را برترین اثر روزبهان و مایه اشتهاوی می‌دانند. آنها معتقدند که روزبهان برای تألیف این کتاب مستقیماً از تجربه‌های عرفانی خویش سود جسته است. در عین حال، ایشان باور دارند سبک ادبی روزبهان سبکی ثقیل است و متن او در استفاده از صنایع و بدایع ادبی گرفتار افراط شده است (شیخ الاسلامی و رضایی، ۱۳۹۰: ۴۵-۴۴). مقاله مزبور بیشتر بر جنبه‌های ادبی و رویکرد تأویلی شرح آیات قرآن متمرکز است، حال آنکه در تحقیق حاضر بر انواع مختلف نگرشهای تفسیری تأکید شده است.

نثیری و روغنگیری در «مقایسه تأویل‌های عرفانی روزبهان در *عبر‌العاشقین* و *عرایس‌البیان*» (۱۳۹۳)، مفهوم عشق و حاکم شدن دیدگاه عاشقانه بر تأویلات او را وجه اشتراک این دو اثر برشمرده‌اند (نثیری و روغنگیری، ۱۳۹۳: ۱۸۳). دیدگاه عاشقانه مبتنی بر تفسیر عرفانی است و (بر خلاف پژوهش حاضر)، دو حوزه دیگر؛ یعنی تفسیر قرآن به قرآن و تفسیر روایی کمتر مورد توجه محققان مذکور قرار گرفته‌اند.

مقاله ختاپیان و سلیمانی کوشالی با عنوان «جایگاه عشق در تفسیر عرفانی *عرایس‌البیان* روزبهان بقلی» (۱۳۹۴)، همراستا با تحقیق نثیری و روغنگیری است؛ یعنی استیلای نگرش عاشقانه را مهمترین ویژگی آثار روزبهان یافته‌اند (ختاپیان و سلیمانی کوشالی، ۱۳۹۴: ۱۸۲-۱۸۱). تفاوت این پژوهش با جستار حاضر در مورد پیشین ذکر شد.

سلطانی در «بررسی تأویلات عرفانی آیات متشابه قرآنی در آثار روزبهان بقلی با نگاهی به نظریه بینامتنیت» (۱۴۰۱)، به دنبال همخوانی کتابهای *عرایس‌البیان* و شرح *شطحیات* است. سلطانی تلاش میکند خصوصیات آیات متشابه را در نگاه روزبهان بقلی معرفی کند. در این باب، وی آیات حاوی صفات خبری برای پروردگار را با تأکید بیشتر مطالعه کرده است (سلطانی، ۱۴۰۱: ۲۳). مهمترین تفاوت میان پژوهش سلطانی با جستار حاضر محدود ماندن دامنه بررسیهای وی در شرح آیات متشابه است، در حالیکه در تحقیق حاضر آیات محکم نیز مد نظر پژوهندگان قرار دارد.

در مجموع، هیچکدام از آثار مزبور مسائل مورد نظر جستار حاضر؛ یعنی واکاوی و مقایسه سه رویکرد تفسیری مورد اشاره را در *عرایس‌البیان* که مهمترین اثر روزبهان در حوزه تشریح معانی آیات قرآن است، مطالعه نکرده و از اینرو، تحقیق حاضر از تازگی لازم برخوردار است.

بحث: روشهای روزبهان در شرح آیات قرآن در *عرایس‌البیان*

«شیخ شطّاح» لقب ابی‌نصر صدرالدین ابومحمد روزبهان بقلی فسائی (۶۰۶-۵۲۲هـ.ق) است که از عرفا و قرآنپژوهان نام‌آور سده ششم هجری قمری بوده است. تحصیلات مقدماتی وی در فسا بوده و سپس برای ادامه تحصیلات به شیراز رفته است. وی در طول عمر خود سفرهای فراوانی کرده و در این سفرها با عارفان، صاحبان اندیشه و صوفیان متعدّد دیدار داشته است. تغییر اساسی در زندگی روزبهان بواسطه دریافتن محضر یکی از زهاد دوران خود، به اسم «جاگیر» (ف. ۵۹۱هـ.ق) بوده، اما خرقه خویش را از صلاح‌الدین خلیل (سده ۶هـ.ق) دریافت کرده است. در برخی منابع تحقیقی روزبهان را بر مذهب شافعی دانسته‌اند، حال آنکه نوشته‌های وی معرف گسترده‌تر بودن دیدگاه این عارف از مرزهای مذهب مزبور است (ارنست، ۱۳۸۷: ۳۰-۲۵). از او آثار فراوان و ممتاز برجای مانده است، از جمله *عرائس‌البیان فی حقایق القرآن* که مأخذ اصلی جستار حاضر است.

موضوع *عرایس‌البیان* شرح آیات قرآن کریم بر پایه نگرش عارفان است. این کتاب که اصل آن به زبان عربی است، در دو جلد و ترجمه آن توسط علی بابایی در شش جلد منتشر شده است. روزبهان بقلی در این کتاب به تفسیر برخی آیات از ۸۷ سوره (از مجموع ۱۱۴ سوره) قرآن کریم پرداخته است. این کتاب مشحون از احادیث قدسی و روایات معصومین (ع) و اقوال مشایخ صوفیه است. روزبهان تأویل (تفسیر عرفانی) آیات کتاب الله را یک ضرورت میدانند. او مجوّز این رویکرد را انجام آن توسط بزرگان دین اسلام و خصوصاً امامان شیعه (ع) دانسته و احادیثی را به جهت استناد ذکر کرده است (عرایس‌البیان، ۹/۱-۵)، مثل این حدیث از حضرت امام صادق (ع) که فرموده‌اند: «براستی که کتاب خدا بر چهار چیز استوار است: عبارت، اشاره، لطایف و حقایق. عبارت برای عموم مردم است.

اشاره برای خواصّ است. لطایف برای اؤلیاست و حقایق برای پیامبران است» (تفسیر صافی، ۳۱/۱). ساختار عرایس/البیان چنان است که مؤلف، در بسیاری موارد، ابتدا آیه‌ای را می‌آورد و مضمون لغوی آن را به بیان خود مینویسد. سپس به آیات دیگر، احادیث معصومین (ع) و سخنان بزرگان صوفیه رجوع میکند و در این بین، دریافتهای خویش را نیز مطرح می‌سازد. بدین نحو، وی گاهی به تفسیر قرآن به قرآن می‌پردازد، گاهی تفسیر روایی (بالمأثور) به دست میدهد و گاهی به تأویل آیه می‌پردازد که همان روش تفسیر ذوقی-عرفانی است.

تفسیر و تأویل در تشریح معانی قرآن کریم

ریشه کلمه تفسیر «فَسَّرَ»، به معنای ظهور و کشف است و مترادف «هویدا ساختن» است (لسان العرب، ۴۳۶). در سوی دیگر، کلمه «تأویل» مشتق از ریشه «أَوَّلَ»، به معنای «بازگرداندن» است (راغب، ۱۳۹۲: ۲۷). اگرچه گاهی کلمات «تفسیر» و «تأویل» بصورت مترادف استفاده میشود، اما میان مفهوم اصطلاحی این دو کلمه تفاوت بارز وجود دارد. شارح معانی آیات کتاب خدا وقتی به «تفسیر» روی می‌آورد، سبب نزول و معنی لغوی کلمات را در مرکز توجه دارد، در حالیکه مؤول قرآن به سطوح عمیقتر معنوی می‌پردازد و تلاش میکند اسرار پنهان هر آیه را بر پایه اسناد مرتبط و کشف و شهود عرفانی خود دریابد و هرگاه برای آیه واحد به معانی مختلف رسید، بهترینها را برگزیند (مجمع البحرین، ۹۷/۱). بعلاوه، اعتبار این دو رویکرد نزد اهل کلام همسان نیست؛ زیرا ایشان دلالت معنوی تأویل را مبتنی بر ظن می‌شمرند. از اینرو، دلالتی را که بر اساس تفسیر به دست آید، اولویت میدهد (سیداهل، ۱۹۷۲م: ۵۸). برخی از اهل کنکاش در علوم قرآنی، عنصر محوری تأویل را نگاه رمزی و یا مجازی به آیات و نیز، تلاش برای واگشایی این اسرار میدانند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۰: ۱۷۸/۱). مثلاً در تأویلات عین القضاات همدانی (۵۲۵-۴۹۲ هـ.ق)، تأویل، لایه‌های مختلف دارد و در شکل دادن به این لایه‌ها علاوه بر دیدگاه مؤول، رعایت مقتضای حال مخاطب هم مؤثر است (جوادی‌زادگان، ۱۴۰۱: ۱۴۱).

طبق یافته‌های دین‌پژوهان، در آغاز، مدلول تفسیر و تأویل منفک نبودند، لیکن در مسیر زمان، بویژه پس از تألیف کتاب جامع البیان عن تأویل آی قرآن توسط ابوجعفر طبری (ف. ۳۱۰ هـ.ق) این انفکاک رخ داد. او در رساله خویش، به سخنان نبوی (ص) رجوع میکرد و چنانچه کلامی از صحابه و یاران آن حضرت مییافت، بر آن میافزود. در کتاب طبری، اینگونه تفسیر که از آن به «مأثور» (= تفسیر با کمک احادیث) تعبیر میشود، با ذکر خوانشهای گوناگون و دلایل لغوی و مباحث نحوی گسترده‌تر میشود و با افزودن رأی مؤلف به آن، از «تفسیر بالمأثور» به «تفسیر به رأی» (= تفسیر ذوقی یا تأویل) تغییر مییابد. آنابل کیلر، اسلامپژوه معاصر معتقد است سده ششم هجری فصلی درخشان در عرصه تأویل قرآن است و روزبهان با خلق تأویل عرفانی خویش بر آیات قرآن نقطه عطفی در مسیر تاریخ این دانش ایجاد کرده است (کیلر، ۱۳۹۵: ۳۵).

از سوی دیگر، برای آنکه تفسیر به رأی باعث نشود که فهم آیات از مسیر صحیح خارج شود، در علم اصول قواعدی برای امر تأویل وضع کرده‌اند و از مهمترین آنها توجه به معنی لغوی و رعایت برخی ترتیبات برای دستیابی به معنای عمیقتر کلام الهی است (البرهان فی علوم القرآن، ۱۸۵/۲). البته آرا در این زمینه گوناگون است. برخی بر ضرورت باقی ماندن در مدار معنای ظاهری کلمات تأکید کرده‌اند و برخی دیگر، از اساس، پرداختن به معانی باطنی را بنیان تأویل میدانند که حاصل آن کم‌توجهی به معنی لغوی است. با این همه، دیدگاه پیشوایان تشیع همواره در نظر داشتن ظاهر و باطن کلمات (هر دو) بوده است (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۷/۱).

خداوند در قرآن کریم بر مسأله خطیر تأویل تصریح کرده است. قرآن با تقسیم آیات به دو گروه «محکم» و

«متشابه»، تکلیف را بر مؤمنان روشن می‌سازد و می‌فرماید پروردگار آیاتی از کتاب الله را «محکم» قرار داد و این آیات اساس این کتاب آسمانی هستند. نیز، آیاتی از آن را «متشابه» خواند. آنان که قلبی مریض دارند، در راه متشابه و تأویل آن منحرف میشوند؛ زیرا تأویل آن نزد خدا و «راسخان در علم» است. گروه اخیر اعتراف میکنند که به همه آیات خدا ایمان دارند و این نکته ظریف را جز صاحبان عقل (اولوالالباب) درنمی‌یابند (قرآن، ۷/۳).
نحله‌هایی که با تأکید بر روش خاص خود به تأویل قرآن و تعیین مسیر آن پرداخته‌اند، از آغاز تا کنون گوناگون بوده‌اند. خوارج، اشاعره، مشبّهه، جبریه، معتزله، فلاسفه، شیعه و عرفا معروفترین گروههایی هستند که نظام تأویلی خود را مطرح کرده‌اند (نادر علی، ۱۳۸۰: ۱۷-۱۲). در یک تقسیم‌بندی کلی، میتوان گفت مجموع این نظریات اعم از روش تأویل مجازی و رمزی-اشاری است. اولی تأویل را مقید به توجه بر ظاهر آیات و رعایت دلالت وضعی میکند و دومی که منظور عرفاست، بجای ظاهر، به کشف و شهودهای مؤول بها میدهد (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۵/۱). با این همه، تأویلی که ظاهر را بصورت مطلق رها سازد، روش پسندیده‌ای نیست و مؤول حق ندارد هرچه را به ذهنش رسید، به کلام خدا نسبت دهد، بلکه در نظر داشتن تناسبات آنچه بطور کلی بیان میشود با آن جزیی که تأویل میشود، همواره ضروری است (الحکمه المتعالیه، ۳۴۲).

در شرح آیات قرآن، گاهی شارح دیدگاههای خود را بر پایه کشف و شهود درونی بیان میکند و گاهی برای اظهارنظرهای خویش از سایر آیات قرآن و یا سخنان افراد ثقه سند می‌آورد. اولی اساس «تأویل» (شرح ذوقی-عرفانی) و دومی بنیان «تفسیر» است (حاجی ربیعی، ۱۳۹۴: ۱۳۶-۱۳۵).

مؤلفه‌هایی برای تمایز انواع سه‌گانه تفسیر

تمایز و تشابه رویکردهای تفسیری «قرآن به قرآن» و «بالمأثور» (روایی) با تفسیر «ذوقی-عرفانی» (تأویل) که در فهم و تبیین آیات کتاب خدا اهمیت بنیادی دارند، میتواند از ابعاد وسیع بررسی شود. مثلاً به دلیل وسعت مفهوم «عرفان»، دامنه ویژگیهایی که میتواند در دایره رویکرد تفسیر ذوقی-عرفانی قرار بگیرد، نامحدود است. با چنین برداشتی، امکان تمییز میان «تفسیر بالمأثور» و «قرآن به قرآن» از «تفسیر ذوقی-عرفانی» (تأویل) ممکن نیست. با وجود این، میتوان بازشناسی مفاهیم فوق را به برخی ویژگیهای عینی محدود ساخت. در اینصورت، اگرچه صرفاً بعضی از جنبه‌های مسأله در بررسی مفاهیم قرآنی در نظر گرفته میشود، اما از آنسو، مؤلفه‌هایی واکاوی میشوند که وجود و یا عدم آنها در یک متن، کمتر جنبه تحلیل شخصی (معیار غیرقابل ارزیابی) دارند.

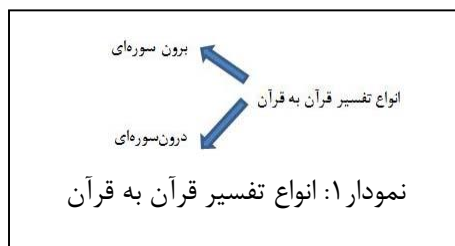
در تفسیر قرآن به قرآن، یک آیه با کمک آیه‌ای دیگر شرح میشود. در تفسیر بالمأثور، شارح معانی قرآنی تلاش میکند مفاهیم را با کمک استناد به احادیث قدسی یا سخنان حضرت رسول (ص) و سپس، سخنان سایر معصومین (ع) دریابد و برای مخاطب خود بیان کند. اینها در حالی است که تأویل (تفسیر ذوقی-عرفانی) بیشتر مبتنی بر دریافتهای باطنی است. در این روش، مؤول اصراری بر اثبات یک دیدگاه خاص ندارد، بلکه آنچه از کشف و شهود دریافته، اظهار میکند (البرهان فی علوم القرآن، ۳۱۱/۲).

عرفا به کلمات و مفاهیم قرآن نگاهی خاص دارند. آنها در مواردی بسیار، از معنای لغوی کلمات و عبارات عبور میکنند و آنها را اشاره و گاهی تمثیل میدانند و به عنوان مجاز تعبیر میکنند. بدین شیوه، عارفان، عموماً با ذکر دیدگاههای مرتبط سایر عرفا، شریطی را فراهم می‌آورند تا نظر شخصی خود را که حاصل کشف و شهود درونی است، به عنوان معانی عمیق آیات قرآن ارائه دهند (قیصری، ۱۳۷۰: ۳۱-۳۰ و ۵۲-۵۰).
از اینرو، میتوان گفت معیار عینی برای تفسیر قرآن به قرآن، شرح یک آیه با کمک آیه‌ای دیگر از همان سوره یا

سایر سور قرآن کریم است. معیار عینی برای تفسیر به مآثور این است که شارح مطلب قرآنی را با کمک احادیث قدسی یا سخنان معصومین (ع) شرح می‌دهد و مؤلفه‌های عینی برای تشخیص تفسیر ذوقی-عرفانی (تأویل)، حداقل شامل فراتر رفتن از معنای لغوی کلمات و عبارات قرآن و تعبیر آنها به مجاز و تمثیل است، ضمن اینکه شواهد متعددی از سخنان سایر صوفیان و عارفان را میتوان در تأویل مشاهده کرد. همچنین، طرح دیدگاه‌های شخصی-ذوقی نیز در آن فراوان است. بر اساس معیارهای فوق میتوان ویژگیهای سه نوع تفسیر مزبور را در *عرایس البیان* بررسی کرد.

تفسیر قرآن به قرآن در عرایس البیان

یکی از معتبرترین تفسیرها آن است که مفاهیم پنهان آیات قرآن را به کمک دیگر آیات قرآن درک کنیم. تبیین مفاهیم قرآنی بدین شیوه، مورد تأکید معصومین (ع) است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «این کتاب خداست که با آن مینگرید و سخن می‌گوید و میشنود و قسمتی از آن، قسمت دیگرش را گویا می‌سازد و برخی از آن بر برخی دیگرش گواهی میدهد و درباره خدا اختلافی ندارد و پیرو خود را از خدا جدا نمیسازد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳). از خوانش تطبیقی میان آرای علمای تشیع حاصل میشود که مسیر اعتدالی اینگونه شرحها (همچون سبک علامه طباطبایی) اجتهاد در آیات قرآن برای استخراج اصولی کلی حاکم بر همه کتاب الله است (فاتحیزاده، ۱۳۹۹: ۵۲-۵۱). شرح یک آیه با کمک آیه‌ای دیگر را میتوان به دو نوع تقسیم کرد: چنانچه یک آیه با کمک آیه (آیات) دیگر از همان سوره شرح شود، میتوان آن را تفسیر قرآن به قرآن «درون سوره‌ای» نامید و چنانچه آن آیه با آیه (آیات) سایر سور قرآن تفسیر شود، میتوان آن را تفسیر قرآن به قرآن «برون سوره‌ای» نام نهاد.

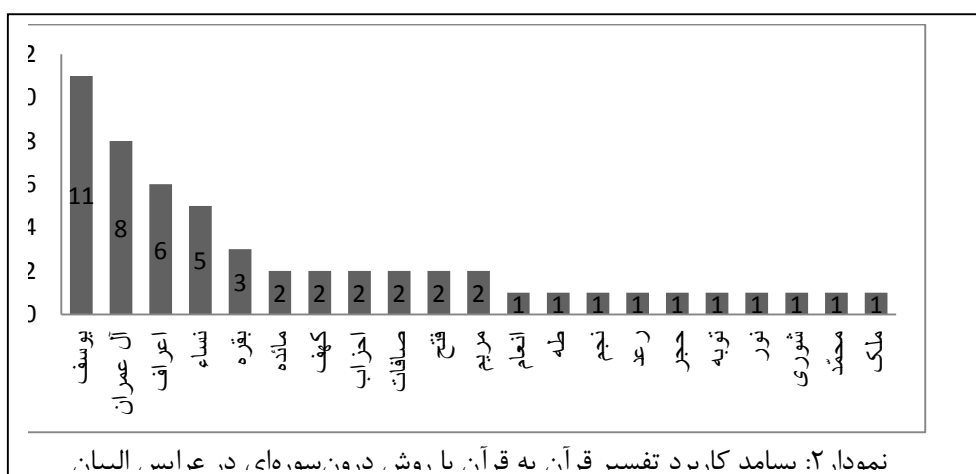


تفسیر قرآن به قرآن با ارجاع درون سوره‌ای در عرایس البیان

روزبهان بقلی در تفسیر قرآن کریم، گاهی از سایر آیات یک سوره برای تفسیر آیه‌ای از همان سوره مدد می‌جوید. بر اساس استقصای تام کتاب *عرایس البیان*، تفسیر یک آیه با آیات دیگر همان سوره مجموعاً ۵۵ بار در شش جلد این کتاب ملاحظه میشود. در شرحهای او بر سوره‌هایی مشتمل بر سوره بقره، آل عمران، نساء، مائده، انعام، اعراف، انفال، توبه، نحل، طه، حج، شوری، صافات، فتح و سوره مبارکه محمد (ص) چنین رویکردی وجود دارد. برای مثال، در شرح سوره یوسف میتوان شواهد متعددی از تفسیر قرآن به قرآن با کمک آیات همان سوره را ملاحظه کرد. در سوره مبارکه یوسف (ع) می‌خوانیم: «وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَّبُّكَ وَ يُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَ يُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَ عَلَى آلِ يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَى أَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلُ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْحَاقَ ۚ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (قرآن، ۶/۱۲).^۱ روزبهان در شرح این آیه، سخنی را از یحیی بن معاذ (وف. ۲۵۸هـ.ق.)، شیخ عارف سده سوم هجری آورده و معنای «اتمام نعمت» بر یوسف نبی (ع) را چنین تشریح کرده است: «او را انعام‌هنده بر برادران قرار داد و آنان را به خضوع بر او

برانگیزاند و به تذلل در برابرش ناچار ساخت، به دلالت این فرموده که وَإِنْ كُنَّا لَخَاطِئِينَ (عرایس البیان، ۲۵۷/۳). عبارت انتهای در کلام ابن معاذ بخشی از آیه ۹۱ همان سوره (یوسف) است که میفرماید: «قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ أَتَرَكَ اللَّهَ عَلَيْنَا وَإِنْ كُنَّا لَخَاطِئِينَ» (قرآن، ۹۱/۱۲).^۲ بدین ترتیب، به عنوان شاهی برای روش تفسیری قرآن به قرآن، از آیه ۹۱ برای تشریح معنای آیه ۶ سوره یوسف (ع) استفاده میشود. ضمناً باید توجه داشت که در چنین مواردی، نقل تفسیر دیگران در کتاب روزبهان، به منظور نقد آنها نیست، چه، هیچگونه تحلیلی بر آن تفسیرهای منقول ارائه نشده، بلکه میتوان علاوه بر همسویی دیدگاهها، غرض از ذکر نظرات پیشینیان را تأیید و تأکید و تبرک و تیمن دانست.

شواهد متعدّد دیگری از روش تفسیر قرآن به قرآن را میتوان در شرح روزبهان بر سوره یوسف (ع) یافت، مثل شرح آیه ۷ که در آن، ضمن سخنی از حمدون قصّار (ف. ۲۷۱ هـ.ق.)، به آیه ۵۳ همان سوره اشاره میشود (عرایس البیان، ۲۵۷/۳) و شرح آیه ۱۲ با ارجاع به آیه ۶۴ همان سوره که ضمن طرح کلامی از آدمی بغدادی (ف. ۳۰۹ هـ.ق.)، معروف به ابْنِ عَطَا مطرح میشود (عرایس البیان، ۲۶۰/۳). در *عرایس البیان*، از لحاظ فراوانی ارجاع به آیات همان سوره (تفسیر قرآن به قرآن درون سوره‌ای) ترتیب خاصی حکمفرماست که نشاندهنده توجه روزبهان به ارتباط مضمونی میان آیات همان سوره‌ای است که تفسیر میکند. از این منظر، وی به این ترتیب به آیات همان سوره‌ای مراجعه میکند که در حال تفسیر آن است: سوره یوسف ۱۱ بار، آل عمران ۸ بار، اعراف ۶ بار، نساء ۵ بار، بقره ۳ بار، سوره‌های مائده، کهف، احزاب، صافات، فتح و مریم هر یک ۲ بار و سوره‌های انعام، طه، نجم، رعد، حجر، توبه، نور، شوری، محمد و ملک هر کدام یکبار. در شرح روزبهان بر سایر سوره‌ها، اساساً این روش کاربردی نداشته است.

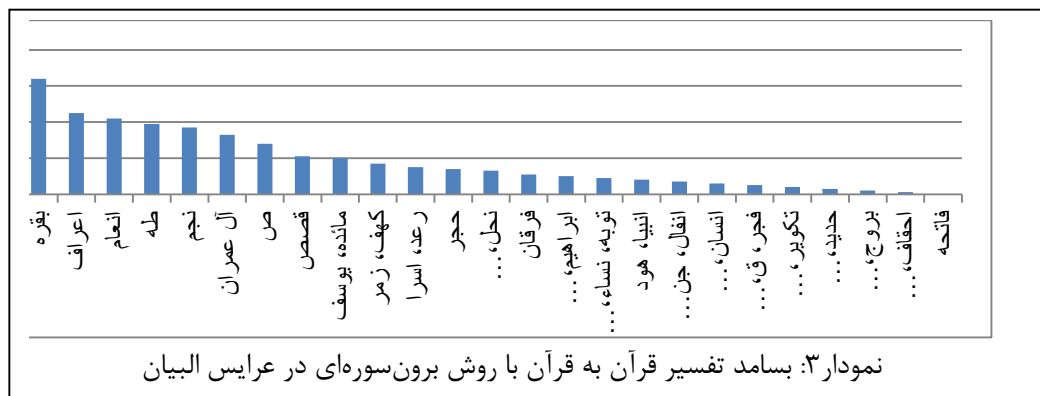


از نظر موضوعی نیز بسیار مهم است: «سُورَةُ الْبَقَرَةِ فَسْطَاطُ الْقُرْآنِ» (مستدرک الوسائل، ۳۳۴/۴). «اهمیت جایگاه» و «گسترده‌ی موضوعی» سورة بقره این انتظار را ایجاد میکند که برای شرح این سوره، روش تفسیر قرآن به قرآن درون سوره‌ای در اولویت باشد، اما چنین نیست و از این امر میتوان دریافت که در ذهن و جان روزبهان، آیات سوره‌هایی مثل یوسف، آل عمران، اعراف و نساء بیش از آیات سورة بقره برای شرح آیات همین سوره (بقره) مناسب بوده‌اند.

تفسیر قرآن به قرآن با ارجاع برون سوره‌ای در عرایس البیان

روزبهان بقلی گاهی برای تشریح معنی آیه‌ای از یک سوره، به آیات سور دیگر قرآن کریم متوسل میشود. شواهد متعددی از این کاربرد را میتوان در *عرایس البیان*، مثلاً در شرح سوره‌های بقره، اعراف، انعام، طه، نجم، آل عمران، ص، قصص، مائده و یوسف مشاهده کرد. از جمله سور قرآن که روزبهان در شرح آیات آن بسیار به آیه‌های دیگر سوره‌ها رجوع کرده، سورة مبارکه آل عمران است. مثلاً وی در تفسیر عبارت «وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ» (قرآن، ۳۰/۳)،^۴ در باب اینکه انسان نباید به دلیل رأفت حضرت حق، از ابتلا ایمن شود، بلکه همواره باید تقوای الهی پیشه سازد، مینویسد: «کسی که او را نشناسد، از خود بر حذر نمیدارد. این خطاب بزرگان است، اما خطاب صغار (آنانکه معرفت اندک دارند) این است: وَأَتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ» (و نیز) فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ» (عرایس البیان، ۲۴۰/۱). روزبهان برای شرح بخش کوتاهی از یک آیه از سورة آل عمران، به صورت متوالی به آیاتی از سوره‌های بقره و تغابن متوسل شده که مصداق تفسیر قرآن به قرآن برون سوره‌ای است.

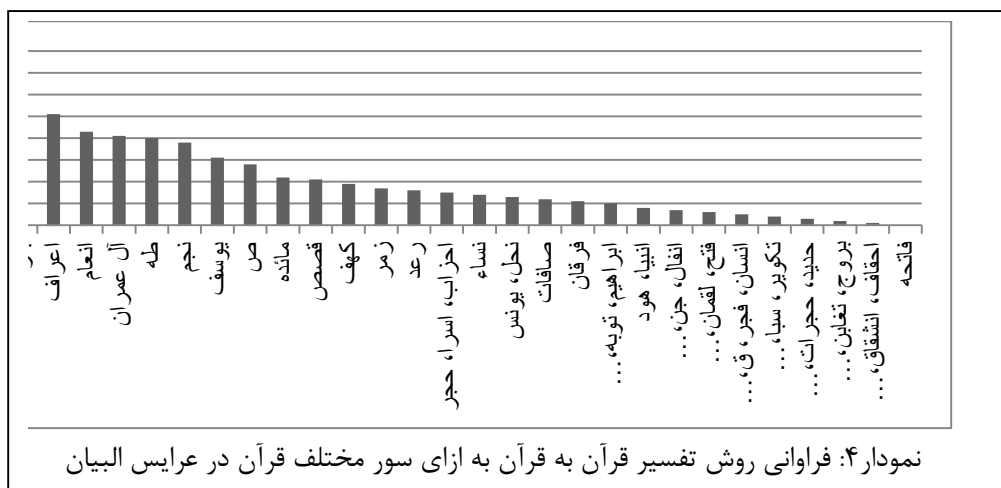
در مثالی دیگر، روزبهان از آیه‌ای از سورة مبارکه احزاب (قرآن، ۷۲/۳۳) برای تشریح معانی آیه‌ای از سورة مبارکه بقره استفاده کرده است: «لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (قرآن، ۲۸۶/۲).^۵ وی با تأکید بر اینکه خداوند هرگز باری سنگین که در طاقت انسان نباشد، بر عهده او قرار نمیدهد، به اهمیت عهد انسان با پروردگار خویش و وظیفه آدمیزاد در انجام آن و کوتاهیهای انسان در این باب اشاره میکند. وی توضیح میدهد که این قصور نتیجه فقدان درک صحیح و کامل از شگفتیهای مظاهر ربوبیت است: «خداوند ارواح را به انوار کبریا ملتبس سازد. از اینرو، به هنگام قیام با افعال معرفت استقلال مییابند و از عجایب ربوبیت چیزی درک نمیکنند. این معنی کلام الهی است که إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»^۶ (عرایس البیان، ۲۱۱/۱). در *عرایس البیان*، فراوانی شواهد تفسیر قرآن به قرآن برون سوره‌ای در شرح برخی از سوره‌ها بیش از سایر آنهاست. بر اساس استقصای تام این کتاب، ترتیب فراوانی این نوع تفسیر در نمودار زیر معلوم شده است.



همانگونه که میتوان مشاهده کرد (بر خلاف روش تفسیر قرآن به قرآن درون‌سوره‌ای) بسامد روش برون‌سوره‌ای تا حدودی با طول سوره‌ها نیز نسبت دارد. البته استثنائاتی هم ملاحظه میشود. مثلاً طول سوره مبارکه آل عمران بیشتر از سوره نجم است، اما تعداد مراجعات روزبهران به سوره نجم بیشتر بوده است. به عبارت دیگر، اگرچه طول سوره‌ها و در نتیجه، گستردگی موضوعی آنها در انتخاب این روش تفسیری مؤثر است، اما به نظر میرسد در ذهن و جان روزبهران، برخی سوره‌ها بیش از سایر سور حضور دارند و تداعی آنها بیشتر رخ میدهد و از اینرو، مضامین برخی سوره‌ها برای تفسیرهای او کاربردیتر از برخی دیگر هستند.

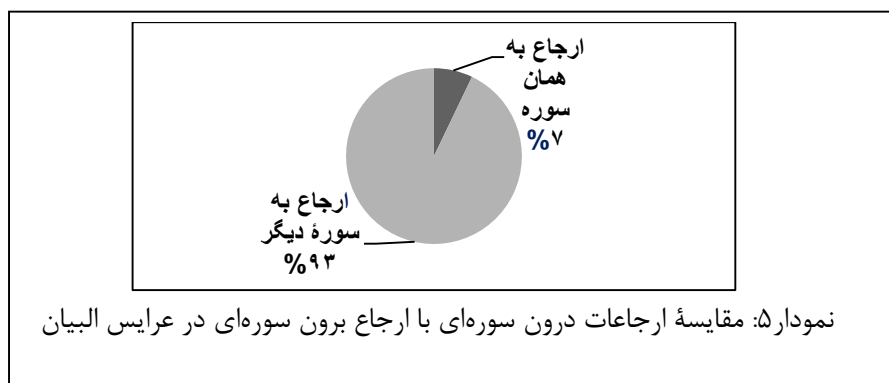
مقایسه فراوانی تفسیر قرآن به قرآن درون‌سوره‌ای و برون‌سوره‌ای در عرایس البیان

برای اینکه دیدگاهی روشنتر از گرایش روزبهران به هر یک از دو روش تفسیر قرآن به قرآن به دست آوریم، میتوان میان فراوانی شواهد تفسیر برون‌سوره‌ای و درون‌سوره‌ای مقایسه‌ای صورت داد. از نظر آماری و بر اساس استقصای تام، روزبهران در مجموع شش جلد *عرایس البیان* ۷۷۲ بار از «تفسیر قرآن به قرآن» بهره برده است. از آنجا که طول سوره‌ها متفاوت است و مباحثی که روزبهران در شرح هر آیه مطرح میکند، نسبت و وابستگی زیادی با طول هر سوره دارد، سخن از متوسط کاربرد این روش ارزش آماری ندارد. با وجود این، میتوان گفت در ۸۷ سوره‌ای که روزبهران (از مجموع ۱۱۴ سوره قرآن) شرح کرده، به‌طور متوسط در هر سوره ۹ بار از تفسیر قرآن به قرآن استفاده شده که با توجه به رویکرد کلی روزبهران (تفسیر ذوقی-عرفانی)، عدد قابل توجهی است. البته در عمل، فراوانی مزبور در سوره‌های مختلف متفاوت است. وی در تشریح مفاهیم سوره مبارکه بقره بیشترین و در سوره فاتحه الکتاب کمترین استفاده را از روش تفسیر قرآن به قرآن داشته است. نمودار زیر فراوانی کاربرد این روش را در شرح معانی هر یک از ۸۷ سوره‌ای که وی به آنها پرداخته است، نشان میدهد.



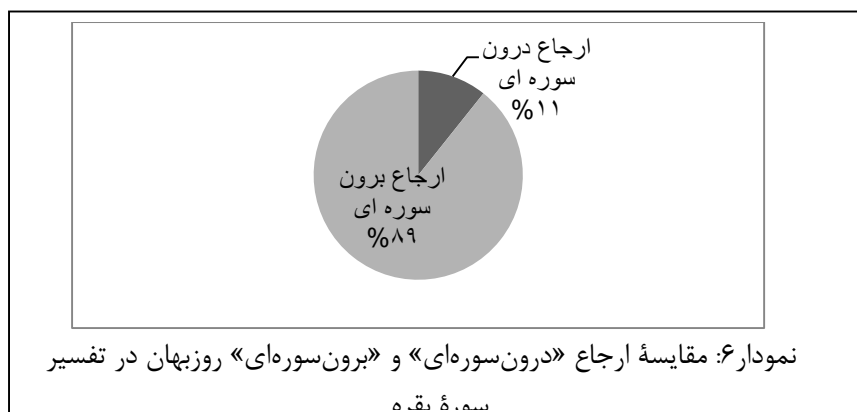
توسط اوست. ترتیب بلندترین سوره‌های قرآن اینگونه آغاز میشود: بقره، آل عمران، شعرا، اعراف، نساء، طه، انعام، مائده، نحل، توبه، هود... در عرایس البیان، کمترین تعداد تفسیر قرآن به قرآن در تشریح سوره مبارکه فاتحه الکتاب است. روزبهران از این روش در شرح این سوره بهره نبرده و این تنها سوره‌ای است که این پدیده در آن ملاحظه میشود.

به نظر میرسد از آنجا که با افزایش طول یک سوره مطالب مطرح شده در آن سوره بیشتر خواهد بود، مجال بیشتری برای مفسر ایجاد میشود تا بتواند هر مطلب را به آیه‌ای دیگر از قرآن مربوط سازد و تشریح کند. با اینحال، عدم تطابق کامل ترتیب فراوانی (آنگونه که در نمودار فوق معلوم شده) و ترتیب طول سوره‌ها آنچنان که در فهرست سور قرآن آمده، بیانگر آن است که بعضی از سوره‌ها نزد روزبهران فضایی مهیاتر برای تفسیر قرآن به قرآن دارند. همانگونه که پیشتر ملاحظه شد، روزبهران گاهی از آیات همان سوره برای شرح سایر آیات آن استفاده کرده و گاهی از آیات سوره‌های دیگر استمداد جسته است. علاوه بر تأثیر طول سوره‌ها و گوناگونی موضوعات یک سوره، چگونگی توجه و علاقه‌مندیهایی شخصی شارح به مضامین سوره‌های مختلف قرآن کریم میتواند در ایجاد تفاوت میان ارجاعات روزبهران به همان سوره یا به سوره دیگر مؤثر بوده باشد؛ چه، این کتاب الهی چنان فراگیر است که با طرح موضوعات متفاوت در سوره‌های آن، زمینه جذب ذهن و روح مخاطب را با سلايق و علایق مختلف فراهم می‌آورد و البته هر مخاطبی بسته به شرایط روحی خویش، به برخی از سوره‌ها علاقه‌مندی بیشتری نشان میدهد. از این جهت، سوره‌ای که ذهن و جان روزبهران بقلی را به خود جذب میکند، در حین شرح سور دیگر نیز دائماً نقش جان اوست و طبیعتاً در تفسیر سوره‌های دیگر بروز و نمود مییابد. از جمله نتایج این پدیده در مجموع کتاب روزبهران، آن است که تفسیر قرآن به قرآن «برون سوره‌ای» بارها بیش از تفسیر با ارجاعات «درون سوره‌ای» مشاهده میشود. در واقع، تفسیر یک آیه با آیات دیگر همان سوره فقط در ۷٪ از شواهد عرایس/البیان ملاحظه میشود، ولی تعداد کل ارجاعات به آیه‌ای از دیگر سوره‌های قرآن عظیم ۹۳٪ شواهد را تشکیل میدهد. به عبارت دیگر، روزبهران بقلی شرح یک آیه با کمک آیات سور دیگر را ۱۳ برابر بیش از شرح با استفاده از آیات همان سوره استفاده کرده است.

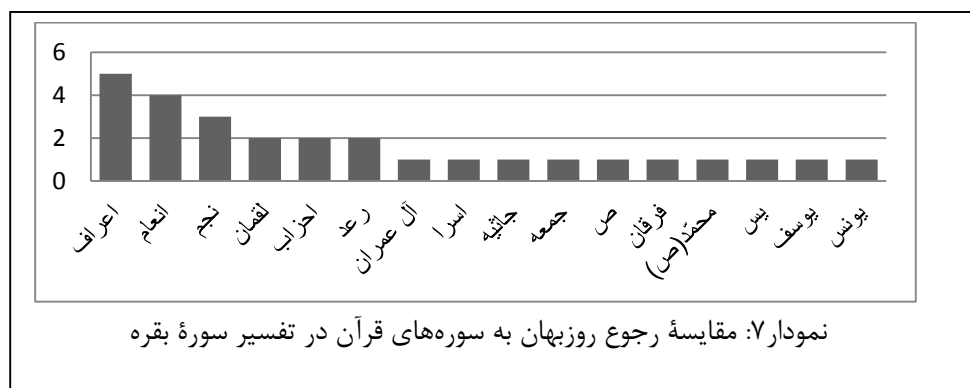


به دلیل جایگاه خاص سوره بقره، همینجا یادآور میشویم که بیشترین ارجاع قرآن به قرآن برون سوره‌ای در تفسیر سوره مبارکه بقره مشاهده میشود. تعداد ارجاعات قرآن به قرآن مجموعاً ۶۷ بار است که تنها ۳ مورد آن ارجاع به همین سوره است و الباقی (۶۴ مورد) ارجاع به سایر سوره‌هاست. از آنجا که بقره بلندترین سوره قرآن است،

اختصاص بیشترین ارجاعات قرآن به قرآن در آن امری طبیعی مینماید. با اینحال، قَلت ارجاعات درون‌سوره‌ای از یکسو و از سوی دیگر، گستردگی ارجاعات به سوره‌های مختلف قرآن در تفسیر این سوره، در درجه نخست، نشان از تسلط روزبهان بر مجموع قرآن و قدرت تداعی معانی قوی او دارد و سپس نشانگر آن است که موضوعات سایر سوره‌های قرآن بیشتر مورد توجه او بوده است.



روزبهان در تفسیر قرآن به قرآن سوره بقره، بدین ترتیب به آیات سوره‌های دیگر مراجعه کرده است: اعراف ۵ بار، انعام ۴ بار، نجم ۳ بار، لقمان و احزاب و رعد هریک ۲ بار، سوره‌های آل عمران، اسراء، جاثیه، جمعه، ص، فرقان، محمد(ص)، یس، یوسف و یونس هر کدام ۱ بار. این بدان معناست که وی در تفسیر سوره بقره از آیات سوره‌های اعراف و انعام بیشتر بهره برده است.



در مجموع، این حجم از شواهد تفسیر قرآن به قرآن که با رویکردها و شیوه‌های گوناگون در اثنای شرح روزبهان نقلی بر قرآن کریم در کتاب *عرایس البیان فی حقایق القرآن* معرفی و تحلیل شد، در درجه نخست، بیگمان حاکی از آگاهی و حضور ذهن وی بر مجموعه آیات کتاب الله است. بعلاوه، کاربرد آنها در شرح قرآن، چالشی جدی پیش روی دیدگاه حاکم بر پژوهشهای پیشین قرار میدهد که بر اساس آن، روش تشریح مفاهیم قرآنی توسط روزبهان

را به بُعد ذوقی-عرفانی آن محدود و مؤکد میکنند(ر.ک. الصاوی، ۱۳۶۶: ۲۴-۲۲؛ نیری و روغنگیری، ۱۳۹۳: ۱۸۳؛ خیطایان و سلیمانی کوشالی، ۱۳۹۴: ۱۸۲-۱۸۱؛ سلطانی، ۱۴۰۱: ۲۳).

تفسیر روایی(بالمأثور) آیات قرآن در عرایس البیان

جنبه‌ای دیگر از شرح‌های روزبهان بقلی بر آیات قرآن کریم، تفسیر بالمأثور(روایی) است. در این روش، شارح معانی قرآن، برای روشن ساختن معانی‌ای که از یک آیه دریافت میکند، به احادیث قدسی و سخنان بزرگان، بویژه به روایات معصومین(ع) متوسل میشود. روزبهان بقلی در تفسیر بالمأثور قرآن کریم بارها از احادیث قدسی، کلام حضرت محمد(ص) و روایات ائمه طاهرين(ع) بهره برده که در ادامه نمونه‌هایی از آن بررسی شده است.

در عرایس البیان، «حدیث رحمت» یکی از پربسامدترین احادیث قدسی با مضمون پیشی گرفتن رحمت الهی از غضب اوست: «إِنَّ رَحْمَتِي سَبَقَتْ غَضَبِي» (کافی، ۲/۲۷۴). روزبهان این حدیث قدسی را ۱۱ بار در طی شرح ۸۷ سوره از قرآن کریم یاد کرده و این خود نشاندهنده جذابیّت موضوع این حدیث نزد اوست. برای نمونه، وی در تشریح معنای کلمه «نصر» در آیه‌ای از سوره مبارکه آل عمران به حدیث مزبور رجوع میکند. آیه میفرماید: «إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَ إِنْ يَخْذَلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (قرآن، ۱۶۰/۳).^{۱۰} روزبهان در تبیین نگاه خویش نسبت به «نصر» الهی در مقابل غضب خداوند، مینویسد: «نصر خداوند آرامش و سکینه اوست... به هجمه هیبت از آوردگاه نیروهای لطف، سربازان قهر در هم شکنند. از همینروست که میفرماید: إِنَّ رَحْمَتِي سَبَقَتْ غَضَبِي» (عرایس البیان، ۱/۳۵۹-۳۵۸). از اینرو، به اعتقاد روزبهان، یکی از عوامل مهم در پیروزی مؤمنان(به واسطه نصر الهی)، حکم فرادستی پروردگار جهان(از روی مهربانی) است و آن سبقت گرفتن رحم او بر غضب اوست که مانع میشود از اینکه خشم خداوند بنده خطاکارش را فراگیرد.

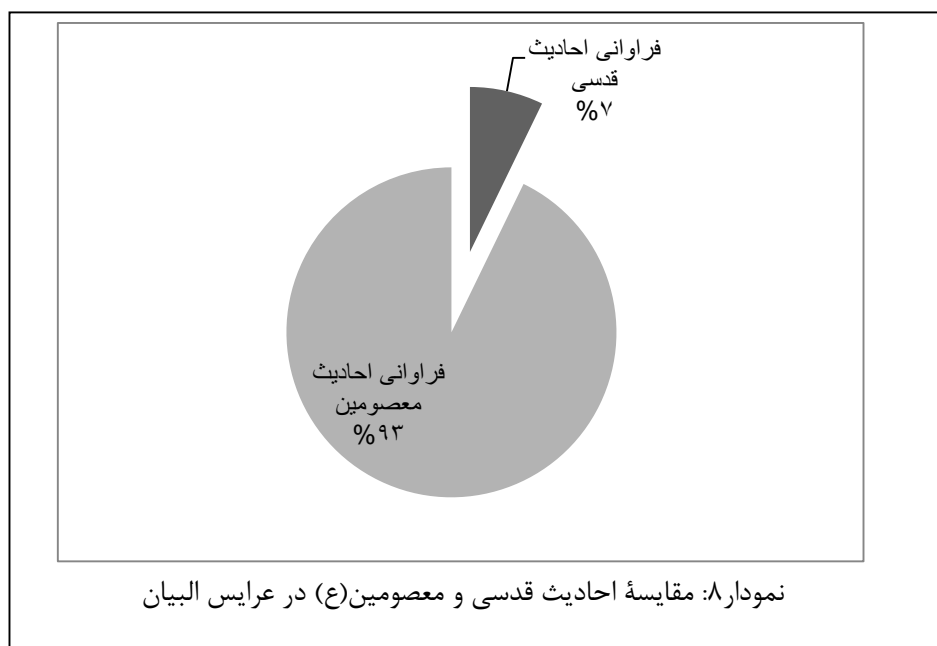
توجه خاص روزبهان به حدیث قدسی «رحمت» باعث شده وی در تشریح مفاهیم چند آیه بعد از آیه فوق، مجدداً به همین حدیث بازگردد و دوباره از آن استفاده کند. در همین سوره(آل عمران) میخوانیم: «رَبَّنَا وَ آتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَ لَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ» (قرآن، ۳/۹۴).^{۱۱} روزبهان در تفسیر بالمأثور عبارت «و لَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ» حدیث قدسی مزبور را چنین به کار گرفته است: «خداوند سبحان قلوب اهل خوف فانی در رؤیت عظمتش را تسلی بخشد و فرماید: رَحْمَتِي سَبَقَتْ غَضَبِي» (عرایس البیان، ۱/۳۸۵).

در کنار «حدیث رحمت»، دو حدیث قدسی دیگر نیز بسامد قابل توجهی در عرایس البیان دارند که عبارتند از احادیث مشهور به «قُرْبِ نَوَافِل» و «كُنْز». این احادیث هر کدام در شرح ۶ آیه استفاده شده‌اند. از اینرو، میتوان گفت موضوعات این دو حدیث نیز محل توجه روزبهان بوده‌اند. در منابع مشهور، حدیث مشهور به «كنز» یا «كنج پنهان» به صورتهای مختلف ضبط شده است. مثلاً «كُنْتُ كَنْزاً مَخْفِئاً، فَأَحْبَبْتُ أَنْ أُعْرِفَ، فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِأُعْرِفَ» (عوالی اللّٰثالی، ۱/۵۵). ابن عربی بر جنبه کشف و شهودی و دگرگونیهای ضبط این حدیث تصریح کرده است: «وُرد فی الحدیث الصّحیح کشفاً، الغیر الثّابت نقلاً... کُنْتُ كَنْزاً لَمْ أُعْرِفْ...» (فصوص الحکم، ۲/۳۹۹). نمونه‌ای از کاربرد حدیث کنج در تفسیرهای روزبهان در شرح عبارت «وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ» (قرآن، ۵۹/۶)^{۱۲} آمده است: «مفاتیح غیب در نزد او انوار عنایت ازلی اوست که با کرم و فضل بر انبیا و اولیا و ملائکه‌اش پیشی گرفته. غیب او ذات و صفات اوست؛ زیرا حق تعالی کنج قدیم باقی آنها [ذات و صفات] است؛ چرا که شاهد فرموده حق هستیم که كُنْتُ كَنْزاً مَخْفِئاً فَأَحْبَبْتُ أَنْ أُعْرِفَ» (عرایس البیان، ۱/۲۵۲).

شان نزول و مضمون حدیث قدسی «قُرْبِ نَوَافِل» ناظر بر ارزش فرایض و مستحبات است و در شب معراج حضرت

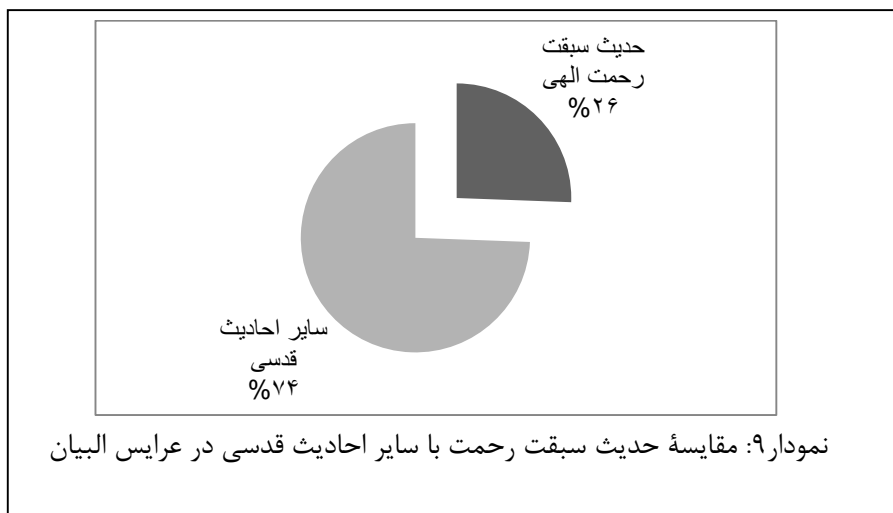
رسول ختمی مرتبت(ص) در پاسخ به پرسشی درباره جایگاه شخص مؤمن نزد پروردگار بیان شده است: «يَا رَبِّ مَا حَالُ الْمُؤْمِنِ عِنْدَكَ؟» بخش پایانی پاسخ خداوند که در کلام روزبهان نیز به جزئی از همین بخش اشاره میشود، چنین است: «و بدرستی که بنده من بوسیله نافله(مستحبات) به من تقرّب میجوید تا آنجا که من دوستش میدارم و چون دوستش دارم، آنگاه گوش او میشوم که با آن میشنود و چشمش میشوم که با آن مینگرد و زبانش میگردد که با آن سخن میگوید و دستش میشوم که به آن میگیرد. اگر بخواند، اجابتش میکنم و اگر خواهشی از من کند، به او میدهم»(الکافی، ۳۵۲/۲). در عرایس البیان، به عنوان مثالی از کاربرد حدیث قُرب نوافل با رویکرد تفسیر روایی قرآن کریم میتوان شرح جمله قرآنی «وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى ۖ تَكْلِيمًا»(قرآن، ۱۶۴/۴) را ملاحظه کرد: «شأن برگزیده بودن موسی(ع) را به مقام خطاب خاص بیواسطه بیان نمود... خداوند او را به مقام مشاهده آشکار و رؤیت ظاهر و باطن با دیده جان و دیده دل رساند. آنگاه بیواسطه و حجابی، کلامش را شنید. چون خداوند سبحان اراده نماید کلام خود را به شُنود یکی از انبیا و اولیای خود برساند، سمعی از اسماع خود بر او اعطا نماید و کلامش را بدان به شنود وی رساند. همانطور که حضرت علیه الصلوة و السلام از قول حق تعالی فرماید: فَإِذَا أَحَبَبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ»(عرایس البیان، ۱۱۶/۱).

روزبهان در تفسیر روایی ۸۷ سوره از قرآن، از ۴۳ حدیث قدسی استفاده کرده و این یعنی ۷,۲٪ از احادیث مورد استفاده او حدیث قدسی است، حال آنکه ۹۲,۸٪ از احادیث این اثر را سخنان معصومین(ع) تشکیل داده است.

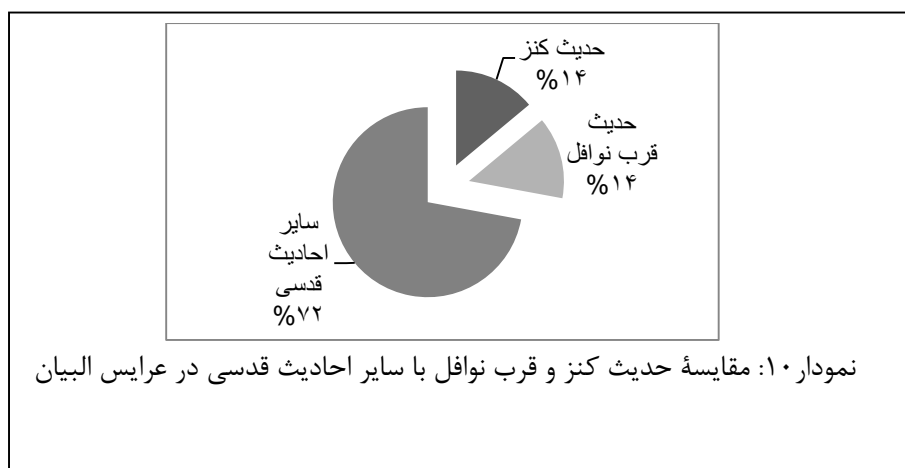


از میان ۴۳ حدیث مذکور، برخی به صورت مکرر استفاده شده‌اند. این پدیده نشان از توجه خاص روزبهان به مضامین این احادیث دارد که با توجه به قدرت تداعی معانی قوی او، هرگاه میان موضوع آیه‌ای که تشریح میکند با این بخش از احادیث قدسی ارتباطی کشف میکند، به آنها هم اشاره می‌شود. مثلاً تکرار به‌کارگیری حدیث «رَحْمَتِي سَبَقَتْ غَضَبِي» در شرح آیات مختلف یک سوره واحد، با فاصله‌ای نه‌چندان زیاد، نشان از جایگاه این

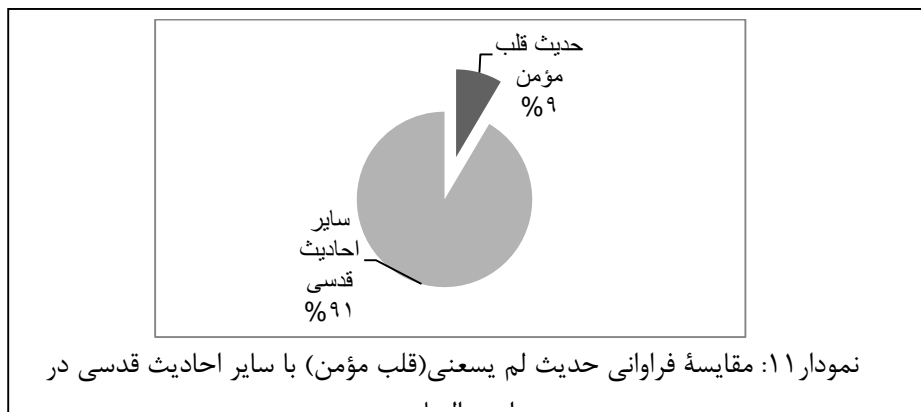
حدیث شریف در قلب روزبهران بقلی دارد. مهم آنکه علاوه بر موارد مذکور، حدیث مزبور بارها در سراسر *عرایس البیان* آشکار شده، به نحوی که نسبت فراوانی آن در این کتاب ۲۶٪ و سهم سایر احادیث قدسی ۷۴٪ است.



دو حدیث قدسی «قرب نوافل» و «کنز» نیز جزو احادیث پر کاربرد در تفسیر بالمأثور روزبهران هستند. نسبت فراوانی این دو با هم مساوی است و هر یک از آنها ۱۴٪ از کل احادیث به کار رفته در *عرایس البیان* را تشکیل می‌دهد.

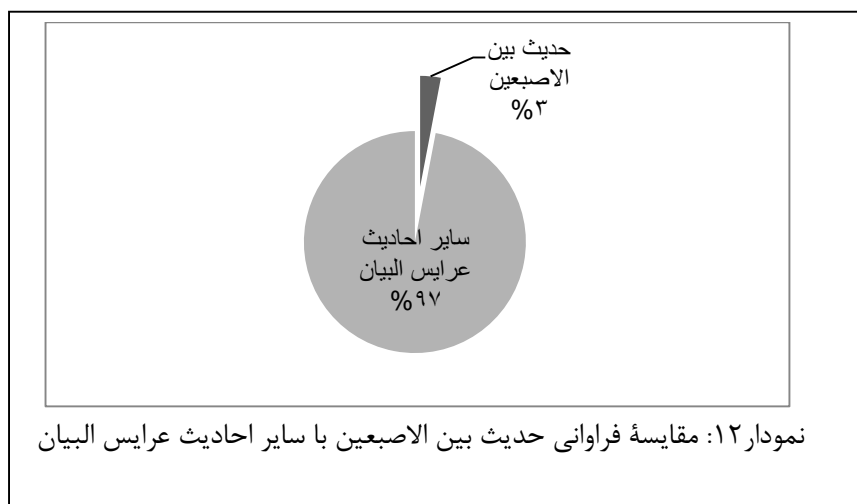


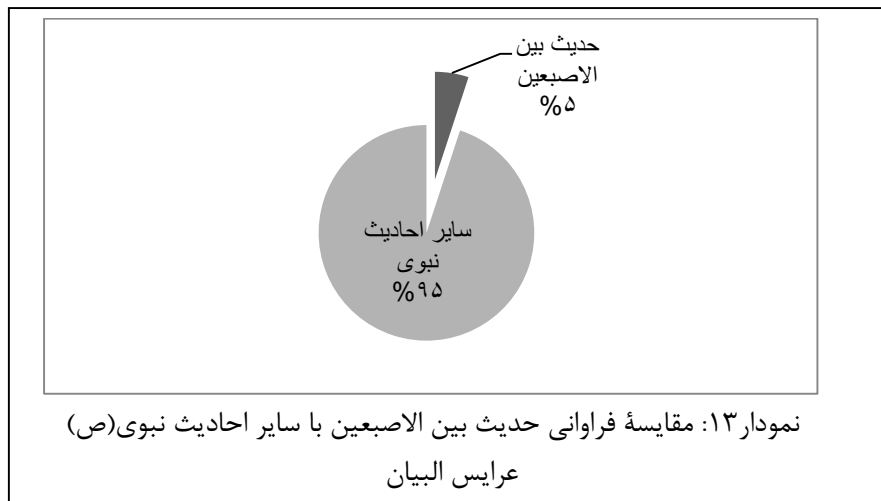
حدیث قدسی دیگر میفرماید: «لَمْ يَسْعَنِ سَمَائِي وَلَا أَرْضِي وَلَكِنْ يَسْعَنِي قَلْبُ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ» (کافی، ۱۲۸/۲، ۱۴). این حدیث که همانند احادیث پیشین به صورتهای گوناگون ضبط شده است، نیز بسامدی قابل توجه در میان احادیث قدسی *عرایس البیان* دارد.



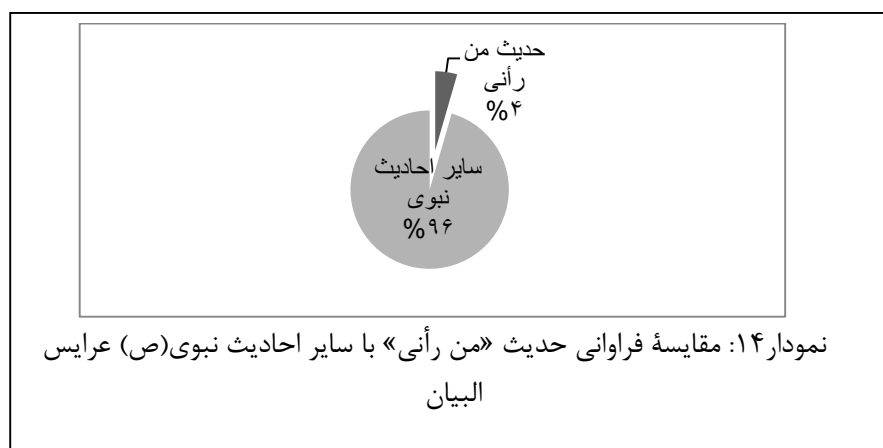
بسیاری از ویژگی‌هایی کمی که پیشتر در باب احادیث قدسی مورد استفاده روزبهان ذکر شد، در مورد احادیث نبوی (ص) نیز صادق است. برای مثال، برغم گوناگونی احادیث نبوی (ص) در تفسیر بالمأثور قرآن در *عرایس البیان*، برخی از آنها بیش از بعضی دیگر مورد توجه او بوده‌اند و در نتیجه، بارها در تشریح معانی آیات ظهور یافته‌اند. در این میان سه حدیث جایگاهی شاخص دارند که بسامد بالای آنها بیانگر توجه ویژه روزبهان به مضامین آنها و کارکرد ارزشمند این احادیث در تشریح معانی آیات قرآن کریم است.

حدیث نبوی (ص) زیر نزد روزبهان در نخستین جایگاه از نظر رجوع و کاربرد قرار دارد: «قَلْبُ الْمُؤْمِنِ بَيْنَ الْأُصْبَعَيْنِ مِنْ أَصَابِعِ الرَّحْمَنِ يَقْلُبُهُ كَيْفَ يَشَاءُ» (سنن ابن ماجه، ۲/۱۲۶۰).^{۱۵} حدیث بین الاصبغین (با قدری اختلاف در ضبط) ۱۸ بار در شواهد تفسیر روایی کتاب روزبهان استفاده شده که هم از جهت مجموع ۶۰۰ حدیث موجود در این کتاب (۳٪) و هم در مقایسه با مجموع ۳۵۷ حدیث نبوی (ص) در اثر مذکور (۵٪)، فراوانی قابل توجهی دارد.



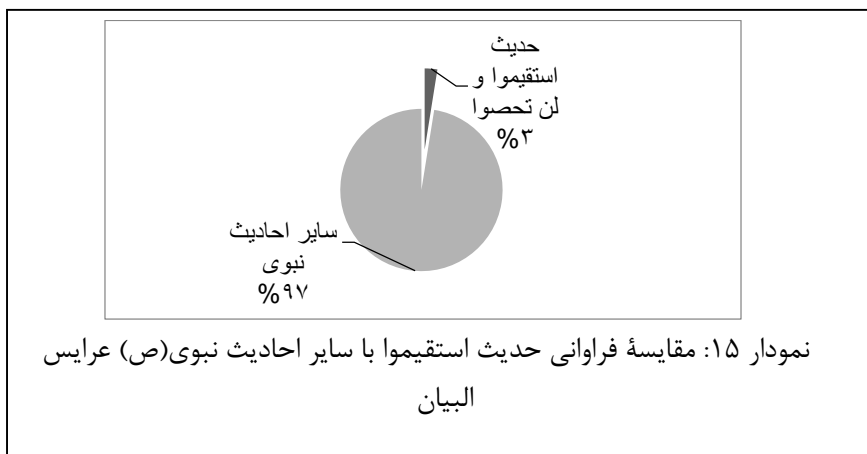


آیه آخر سوره مبارکه رعد چنین است: «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا ۖ قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» (قرآن، ۴۳/۱۳).^{۱۶} روزبهان در شرح این آیه از حدیث نبوی «مَنْ رَأَى فَقَدْ رَأَى الْحَقَّ» (صحیح بخاری، ۳۰۶-۳۰۵)^{۱۷} با رویکرد تفسیری روایی استفاده کرده است: «اگر شاهی میان خودتان و من میخواهید تا گواه راستی رسالتم باشد، بنگرید که من محلّ شهود جمال حقّم. اگر مرا به دیده حقیقت بنگرید، جلال و جمال او را در آئینه سیمای من خواهید دید(و) شهود تجلی او شاهد من است، مَنْ رَأَى فَقَدْ رَأَى الْحَقَّ» (عرایس البیان، ۴۲۸/۳). حدیث مزبور با اختلافاتی جزئی ۱۶ بار در شرح آیات قرآن مورد استفاده روزبهان قرار گرفته و این ۴٪ از مجموع احادیث نبوی(ص) کتاب مورد بحث است.

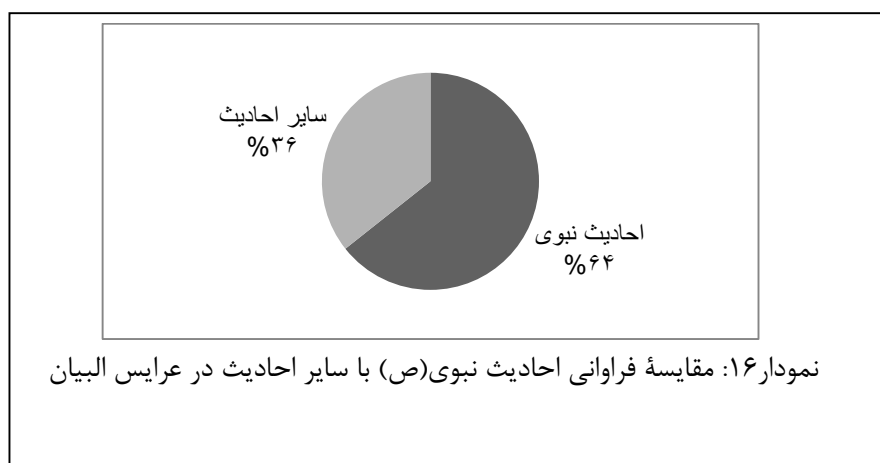


حدیث نبوی دیگر که بسامد قابل اعتنایی در عرایس/البیان دارد، حدیثی درباره مراعات شرایط وضوست: «اسْتَقِيمُوا وَ لَنْ تُخْصُوا وَ اَعْلَمُوا أَنَّ خَيْرَ اَعْمَالِكُمُ الصَّلَاةُ وَ لَا يُحَافِظُ عَلَى الْوُضوءِ إِلَّا مُؤْمِنٌ» (سنن ابن ماجه، ۲۷۷).^{۱۸} روزبهان

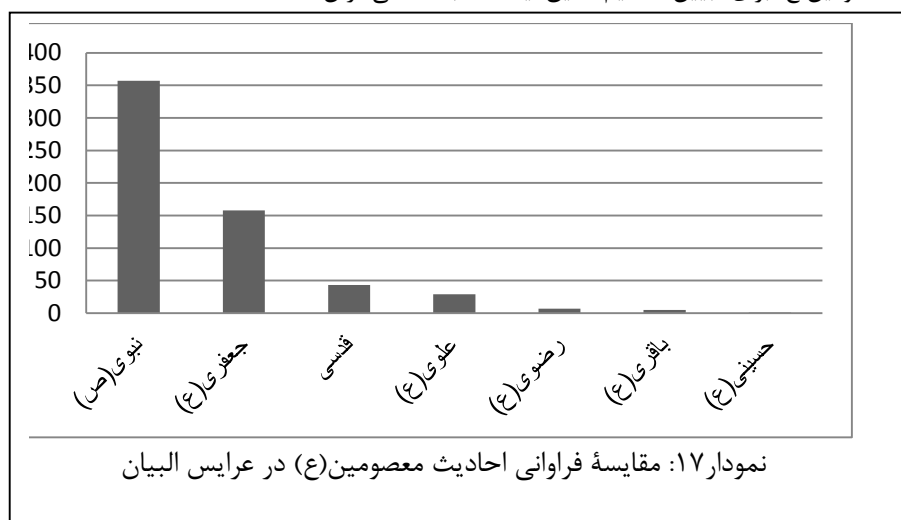
در شرح آیه «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ مِنْ تَابٍ مَعَكَ وَ لَا تَطْغَوْا ۚ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (قرآن، ۱۱۲/۱)،^{۱۹} به حدیث فوق توجه کرده و در تشریح عبارت «وَمِنْ تَابٍ مَعَكَ» و توضیح علل ناتوانی افراد در رعایت شرایط استقامت در راه خدا، مینویسد: «از امت تو بدانسان که شایسته ولایتشان باشد، استقامت حدّی ندارد؛ از آنرو که مقامات است و حالات و معارف و کواشف و توحید و یقین و صدق و اخلاص و آداب و خطاب. در هر مقامی استقامتی است... آن کس را که خداوند به تأیید خود پایدار سازد، مستقیم خواهد بود که محمد(ص) بدین مرتبه برگزیده شده. از اینرو، حضرت، علیه الصلوة و السلام، فرماید: اسْتَقِمْوْا وَلَنْ تُخْصَوْا» (عرایس البیان، ۲۳۷/۳). آنچه از این عبارت میتوان دریافت ضرورت تلاش، حتّی در شرایطی است که فرد میداند انجام یک دستور دینی به شکل کامل در توان انسان نیست. در *عرایس البیان*؛ یعنی در اصلی‌ترین منبع شرح قرآن توسط روزبهان، ۹ بار به این حدیث مراجعه شده و این معادل ۳٪ از مجموع احادیث نبوی(ص) این کتاب است.



فراوانی احادیث نبوی(ص) به تنهایی ۶۴,۳٪ از تمامی حدیثهای به کارگرفته‌شده در شواهد تفسیر روایی *عرایس البیان* است. این امر نشان‌دهنده جایگاه ممتاز کلمات نورانی آن حضرت در روح و جان روزبهان بقلی است.



پیش از بررسی شواهد کاربرد احادیث شیعی در *عرایس البیان* باید متوجه یک نکته مهم بود: از مطالعه شواهد متعدد تفسیر روایی در این کتاب میتوان دریافت که روزبهان نسبت به مذهب تشیع و امامان شیعه (ع) ارادت داشته؛ چه، او هنگام نام بردن از ایشان، القاب و عناوین بسیار محترمانه و شاخص به کار برده است (بابی، ۱۳۸۸: ۱/سی و دو) و نیز بسیار به سخن ایشان استناد کرده است. مثلاً او در مجال مقدمه مختصر خویش بر *عرایس البیان* پنج حدیث از حضرت علی (ع) و امام صادق (ع) آورده است (عرایس البیان، ۱/۱-۴) که از توجه او به این بزرگان و نیز تسلط و آگاهی وی بر منابع حدیث شیعه نشان دارد. در کتاب مزبور، مجموعاً ۶۰۰ بار از حدیث و روایت معصومین (ع) برای تبیین مفاهیم عمیق آیات کتاب آسمانی قرآن استفاده شده است.

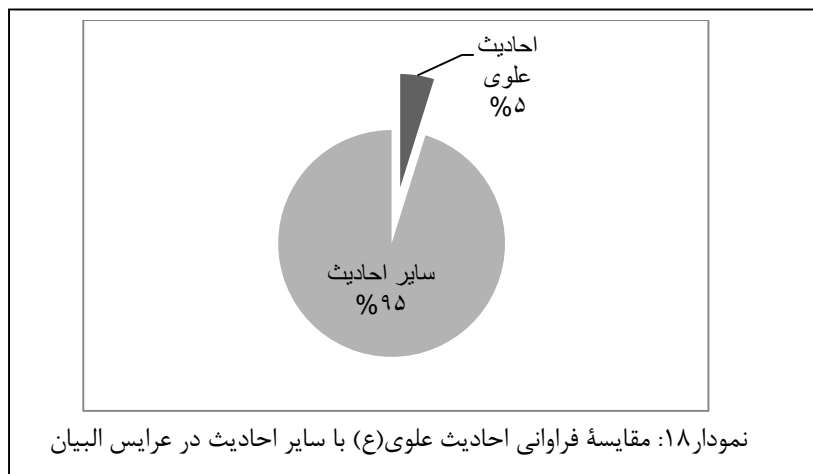


بر خلاف احادیث قدسی و نبوی (ص) که تعداد معتناهایی از حدیث‌ها با بسامد بالا تکرار میشوند، جز دو حدیث، بقیه احادیث علوی (ع) که روزبهان در تفسیر بالمأثور آیات قرآن کریم آنها را به کار گرفته، هر حدیث فقط یک یا حداکثر دوبار در کلام او ظاهر شده‌اند. یکی از حدیث‌های علوی (ع) مندرج در تفسیرهای قرآنی روزبهان به بحث تجلی خداوند مربوط است که در کلام حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) بدین صورت آمده است: «فَتَجَلَّى لَهُمْ سُبْحَانَهُ فِي كِتَابِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَكُونُوا رَأَوْهُ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷).^{۲۰} ارجاع روزبهان به این حدیث، با هدف نشان دادن ارج و ارزش قرآن کریم است. در سوره مبارکه آل عمران می‌خوانیم: «هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَ مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ» (قرآن، ۱۳۸/۳).^{۲۱} وی در تبیین ارزش والای کلام خدا می‌نویسد: «قرآن کلید گنج قدم است. هر آنکه با او همراه باشد، عروس صفت قدیم را از پرده حروف با تمام مراد و صواب بیرون می‌آورد. امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) کَرَّمَ اللَّهُ وَجَهَهُ می‌فرماید: إِنَّ اللَّهَ يَتَجَلَّى لِعِبَادِهِ فِي الْقُرْآنِ» (عرایس البیان، ۳۴۵/۱).

روزبهان در شرح آیه‌ای از سوره هود نیز حدیث علوی «تَجَلَّى اللَّهُ...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷)^{۲۰} را به کار برده و می‌نویسد: «حقیقت قرآن همان صفت ازلی است، چون قرآن به اصل خود آشکار شود، حق در آن آشکار گردد بر آنکس که بر خصوصیت صفت مختص گردیده. از این حال، امیر مؤمنان، علی بن ابی طالب (ع) اَكْرَمَ اللَّهُ وَجْهَهُ آگاه است و فرماید: إِنَّ اللَّهَ يَتَجَلَّى لِعِبَادِهِ فِي الْقُرْآنِ» (عرایس البیان، ۲۴۶-۲۴۷/۳).

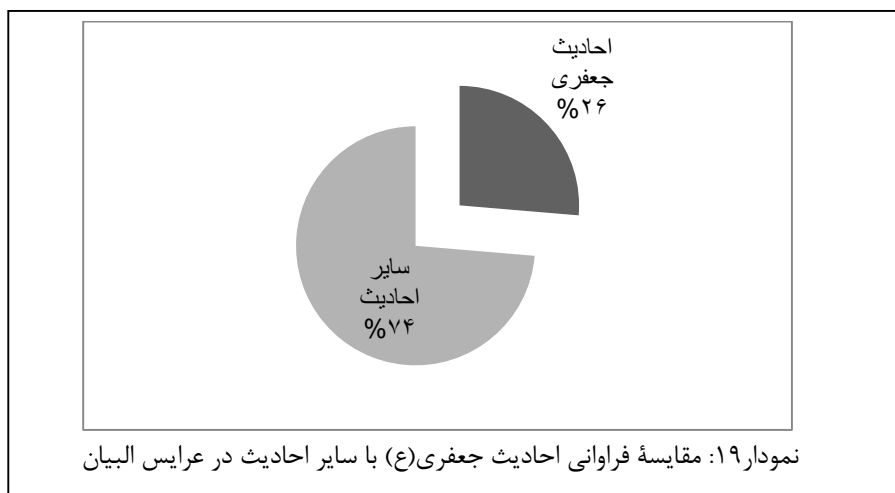
تعداد احادیث علوی (ع) که روزبهان در شرح قرآن استفاده کرده، به نسبت احادیث نبوی (ص)، جعفری (ع) و حتی در مقایسه با احادیث قدسی، معدود است. وی جمعاً از ۲۹ حدیث امیرالمؤمنین (ع) در میان ۶۰۰ حدیث موجود

در *عرایس‌البیان* یاد کرده که ۵٪ از کل احادیث را تشکیل می‌دهد.

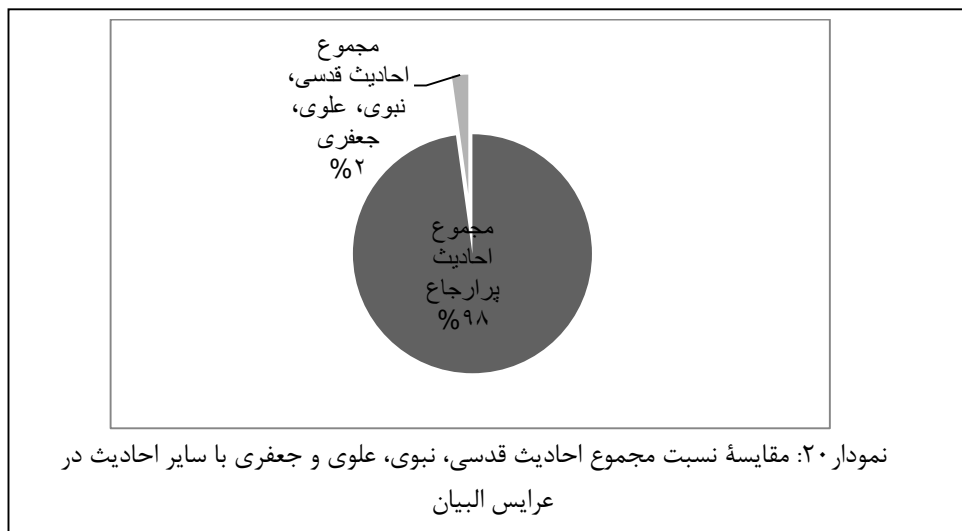


بعضی از کاربردهای احادیث امام جعفر صادق (ع) در کلام روزبهان کاربرد تفسیری (در مقابل کاربرد تأویلی) آشکار دارند؛ یعنی روزبهان در باب آنها معنای ظاهری آیه و نیز مضمون ظاهری حدیث را بیان می‌کند. نمونه این رویکرد را میتوان در توضیح معنای «یس» (قرآن، ۱/۳۶) ملاحظه کرد. روزبهان مینویسد: «جعفر صادق (ع) فرماید: [که قرآن فرموده:] یا سید! در حالی که نبی خود علیه الصلوة و السلام را با آن خطاب قرار می‌دهد. از برای همین است که نبی صلی الله علیه و آله) و سلم فرماید: أنا سید و بدان خودش را نمیستاید، بلکه با آن از معنی خطاب حق تعالی خبر می‌دهد» (*عرایس‌البیان*، ۱۸۴/۵-۱۸۳). عبارت مزبور بخش نخست از حدیث نبوی (ص) است که می‌فرماید: «أنا سید و لد آدم و لا فخر» (سنن ابن ماجه، ۳۴۹۶).^{۲۲}

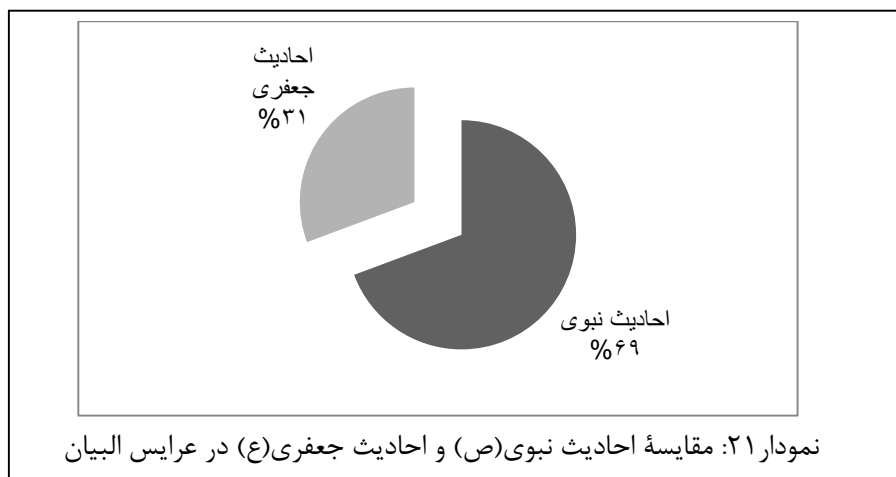
احادیث نبوی (ص) و جعفری (ع) مجموعاً ۸۶٪ از کل احادیث *عرایس‌البیان* را تشکیل داده‌اند. اگرچه احادیث نبوی (ص) با فراوانی نسبی ۶۹٪ نسبت به بسامد احادیث جعفری (یعنی ۳۱٪)، فراوانی بیشتری دارد، اما ۱۵۸ بار رجوع روزبهان به سخنان حضرت صادق (ع) که ۲۲٪ از کل احادیث است، بسامدی قابل توجه است.^{۲۳}



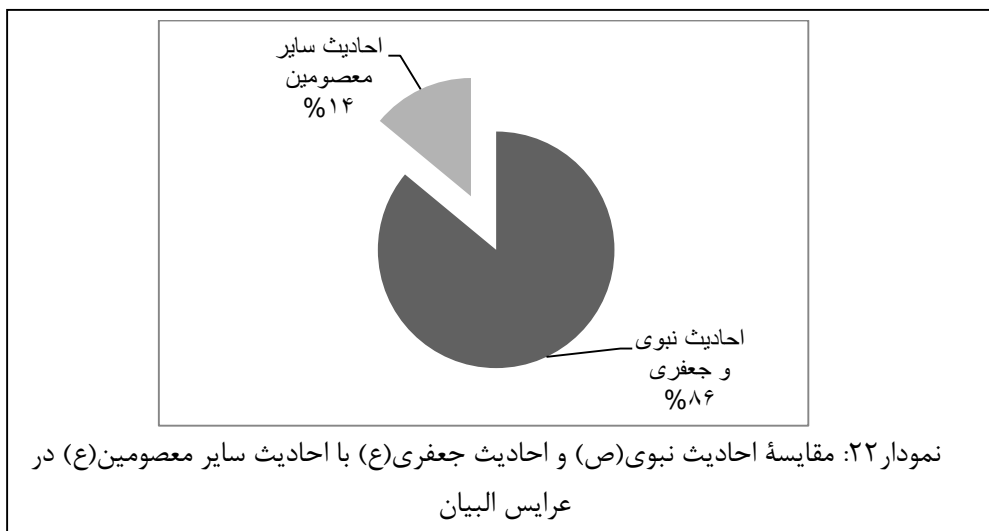
در یک نگاه کلی به شواهد تفسیر بالمأثور در *عرایس البیان*، ۹۸٪ احادیثی که روزبهان در تفسیر بالمأثور آیات قرآن به کار برده، احادیث قدسی و یا از بیانات نورانی نبوی(ص)، علوی(ع) و جعفری(ع) است. در کنار این بخش عمده، اشاراتی معدود نیز به سخنان ارزشمند سایر معصومان شده که عبارتند از ۷ حدیث از امام رضا(ع)، ۵ حدیث از امام باقر(ع) و ۱ حدیث هم از حضرت امام حسین(ع). مجموع احادیث گروه اخیر فقط ۲٪ از کل احادیث را شکل می‌دهد.



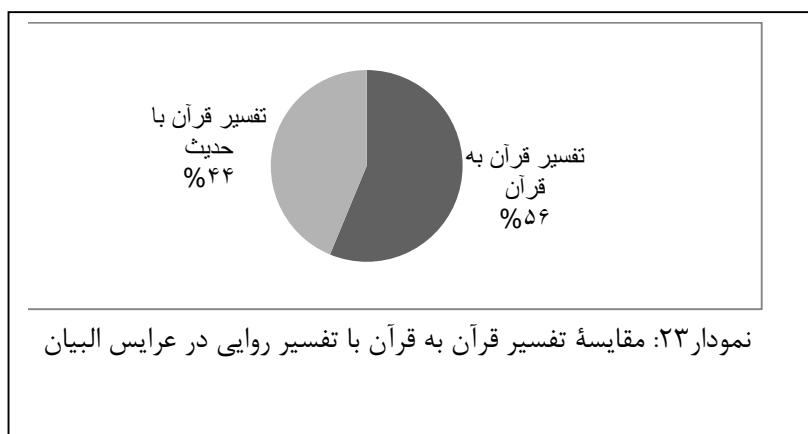
روزبهان یقلی در تفسیر روایی، بیش از هر یک از معصومین(ع)، از سخنان گوهر بار حضرت نبی اکرم(ص) سود جسته و بعد از ایشان، به سخنان نورانی حضرت جعفر بن محمد الصادق(ع)، امام ششم شیعیان و بنیانگذار مذهب تشیع جعفری(ع) توجه نشان داده است. نسبت کاربرد احادیث نبوی(ص) به سخنان جعفری(ع) بیش از دو برابر است.



مجموع سخنان حضرت محمد(ص) و حضرت صادق(ع) بر روی هم ۸۶٪ از کل احادیث موجود در شواهد تفسیر بالمأثور عرایس/البیان را شکل می‌دهد و باقی احادیث که شامل سخنان امیرالمؤمنین علی(ع)، امام حسین(ع)، حضرت باقرالعلوم محمدبن علی(ع)، حضرت علی‌بن موسی الرضا(ع) به همراه احادیث قدسی است، تنها ۱۴٪ این مجموعه هستند.



در نگاهی کلیتر، مقایسه نسبت فراوانی بین «تفسیر قرآن با حدیث(بالمأثور)» و «تفسیر قرآن به قرآن» هم نتایج معناداری به دست می‌دهد: چنانچه در نظر داشته باشیم که تفسیر قرآن به قرآن در این کتاب با فراوانی نسبی ۹ آیه به ازای تفسیر هر سوره است، در حالیکه فراوانی نسبی احادیث معصومین(ع) در مجموع ۸۷ سوره‌ای که روزبهان شرح کرده، ۷ حدیث است، معلوم می‌شود که تفسیر او بیش از آنکه به کمک احادیث باشد، با مدد جستن از آیات قرآن کریم بوده، ولی فاصله نه‌چندان زیاد بین فراوانی ۴۴٪(تفسیر بالحدیث) با ۵۶٪(تفسیر بالقرآن) گواه جایگاهی چشمگیر برای تفسیر روایی قرآن نزد روزبهان است.

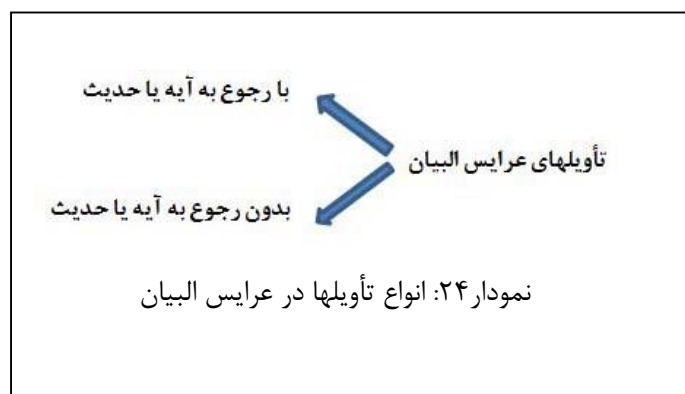


نکته دیگر اینکه از بررسی شرح روزبهان بر آیات قرآن، از هر دو طریق تفسیر «قرآن به قرآن» و «قرآن با حدیث»، معلوم میشود وی در ضمن تفسیر ۸۷ سوره از قرآن کریم، مجموعاً ۱۳۷۲ بار سخن خود را با آیات کلام وحی یا احادیث معصومین(ع) مستند کرده است. این بدان معناست که او در تفسیر هر سوره تقریباً ۱۶ بار به دو منبع مزبور استناد کرده است. از آنجا که روزبهان را معمولاً شارحی ذوقی-عرفانی میدانند، فراوانی فوق میتواند نشانگر آن باشد که وی هر جا ضرورتی مشاهده کرده، از سیره غالب خود؛ یعنی تفسیر ذوقی-عرفانی(تأویل) عبور کرده و به رویکرد مستند گراییده است.^{۲۴} این یافته میتواند نگرش صرفاً تأویلی بودن شرحهای روزبهان بر قرآن کریم را تا حدی تعدیل کند.

تفسیر ذوقی-عرفانی(تأویل) آیات قرآن به وسیله آیه یا حدیث در عرایس البیان

سومین رویکرد تفسیری که در این جستار به آن میپردازیم، «تفسیر ذوقی-عرفانی» یا همان «تأویل» است و نشان بارز این روش عبور از معنای لفظی و تأکید بر دریافتهای شخصی روزبهان بقلی است، اما پیش از بررسی شواهد و ویژگیهای این رویکرد، توجه به چند نکته ضروری است: نخست اینکه در عرایس/البیان، بنای شرحهای روزبهان بر قرآن کریم «تفسیر ذوقی-عرفانی» یا «تأویل» است. در این نوع مواجهه با معنای عمیق آیات قرآن کریم، نه تنها هر بخش از تأویل راه را برای فرازهای بعدی باز میکند و مؤول به سطوح عمیقتری از مقصود آیات دست مییابد، بلکه خود او نیز همراه با این جریان درک و شناخت، به مدارج عالیت کمال میرسد. این پدیده در روند شکلگیری مضامین و مفاهیم آثار بعدی عرفایی که از این مسیر به پژوهش در قرآن پرداخته‌اند، قابل رصد است(مدرسی و لاوژه، ۱۳۸۹: ۱۱۵).

دوم اینکه در کتاب مزبور، مجموع شواهد چنین رویکردی را میتوان به دو گروه تقسیم کرد: ۱- تأویلاتی که بدون رجوع به آیه و حدیث صورت گرفته؛ ۲- تأویلاتی که در آنها از آیه یا حدیث نیز استفاده شده است.



سومین نکته اینکه چون موضوع محوری این جستار بررسی انواع تفسیرهای روزبهان با کمک آیات و روایات است، تفسیرهای ذوقی-عرفانی(تأویلهای) بدون کاربرد حدیث یا آیه که در واقع بخش اعظم تفسیرهای کتاب عرایس/البیان را دربرمیگیرد، از دایره مباحث بیرون قرار میگیرند. آنچه در قسمت حاضر مورد نظر است، شواهدی از تفسیر ذوقی-عرفانی(تأویل) است که در آنها روزبهان از آیات و روایات هم استفاده کرده و این پدیده خاصی است؛ زیرا وقتی یک مفسر به یک سند(اعم از آیه یا حدیث) استناد میکند، در واقع جنبه‌هایی از اعتبار مطلب خود را با تأکید

بر وجوه غیرشخصی آن؛ یعنی با آن استناد به سخنان دیگران نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، روزبهان تفسیرهای ذوقی-عرفانی خود را با استناد به منابع معتبر مستند می‌سازد. این شواهد بیانگر تواناییهای ویژه او در پیوند میان رویکردهای متفاوت در امر شرح قرآن کریم است. چهارمین نکته اینکه تفاوت شواهد رویکرد ذوقی-عرفانی با شواهد دو رویکرد قبلی صرفاً در مؤکد بودن جنبه‌های تأویلی آنهاست، چه، این شواهد نیز در اصل خود جزو شواهد تفسیر قرآن به قرآن و یا تفسیر قرآن با حدیث (بالمأثور) هستند. در ادامه، چند مثال از این نوع تفسیر بررسی شده است.

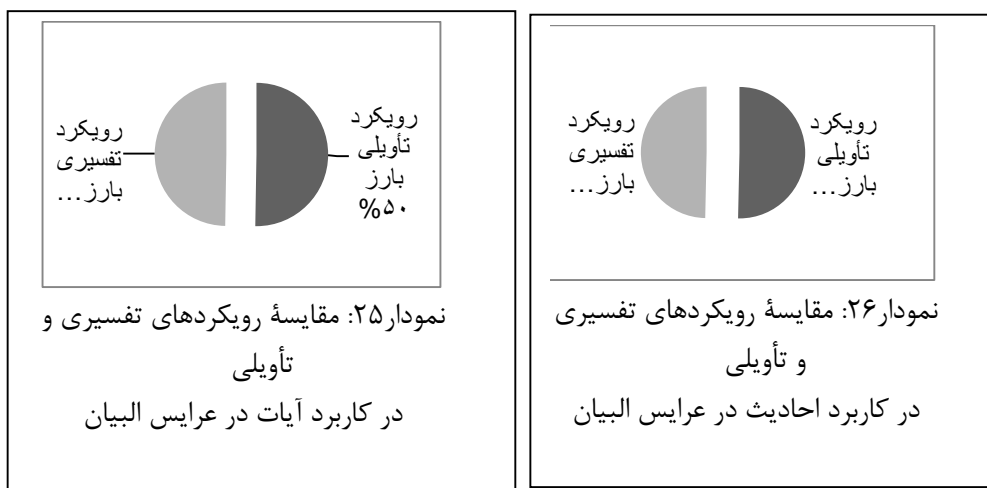
برای نمونه، در شرح معنای آیه‌ای از سوره مبارکه طه استفاده از چنین روشی را مشاهده می‌کنیم. این آیه مربوط به میقات حضرت موسی (ع) با حضرت پروردگار در کوه طور است. وقتی عصای موسی (ع) به اژدها تبدیل می‌شود، موسی (ع) می‌ترسد و می‌گریزد. آیه می‌فرماید: «قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَى» (قرآن، ۲۰/۲۱).^{۲۵} ضماین این آیات به عصای موسی (ع) باز می‌گردند. بنابراین، «لَا تَخَفْ» امر به ترسیدن از آن اژدهاست، در حالی که روزبهان تأویلی را از ابوالقاسم جنیدبن محمد بغدادی (۲۹۸-۲۲۰ه.ق.)، عارف سده سوم هجری، نقل می‌کند که در آن موضوع «ترس»، ترسیدن از دنیا و مافیهاست و این ترس (برخلاف ترس از آن اژدها) امری بجا و مقبول است. جنید در تفسیر ذوقی-عرفانی خویش بر آیه مزبور از آیه دیگری از همین سوره (قرآن، ۲۰/۶۷) استفاده می‌کند: «از آنچه به آن آرام گیری، زودا که از آن بگریزی. از اینرو، شادیم که فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً [یعنی] در دلش ترسی احساس کرد» (عرایس البیان، ۳۲۱/۴).

مثال دیگر: در *عرایس البیان*، شرح روزبهان بقلی بر سوره مبارکه حجر، به این آیه میرسد که درباره حفظ آسمان از آسیب شیطان است: «وَحَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ» (قرآن، ۱۷/۱۵).^{۲۶} تفسیر وی بر این آیه از نوع ذوقی-عرفانی است؛ زیرا او از معنای برخی کلمات اساسی آیات این مطلب عبور و با کمک ذوق سلیم خویش، آنها را به اموری دیگر تأویل می‌کند. مثلاً در افق تفسیری روزبهان، دل مؤمنان واقعی همان آسمانی است که باید از شر شیاطین محفوظ بماند. در این افق تفسیری، برای اینکه «آسمان دل مؤمنان» از شیطان رجیم (یعنی از زنگار و گمراهی) مصون و محفوظ بماند، خداوند به کمک مؤمن می‌آید و دل او را منقلب می‌سازد تا به سوی گمراهی نرود. این تغییر با اراده و قدرت خداوند صورت می‌پذیرد. در اینجا روزبهان از حدیث «الْقُلُوبُ بَيْنَ أَصْبَعَيْنِ مِنْ أَصَابِعِ الرَّحْمَنِ يَقْلِبُهَا كَيْفَ يَشَاءُ» (سنن ابن ماجه، ۲/۱۲۶۰)^{۲۷} استفاده می‌کند. «دو انگشت رحمان» مجازاً همان قدرت و تسلط خدا برای دگرگونی قلوب مؤمنان در جهت محافظت آنها از شیاطین است. روزبهان مینویسد: «آشکارا شاهدیم چرخش و دگرگونی افلاک در ممالک ملکوت ازل را که حبیب حبیب، صلوات و سلام خداوند بر او و بر دوستان صادق او همچون انبیا و رسولان و اصفیا باد! چگونه وصف نماید: الْقُلُوبُ بَيْنَ أَصْبَعَيْنِ مِنْ أَصَابِعِ الرَّحْمَنِ يَقْلِبُهَا كَيْفَ يَشَاءُ: دلها بین دو انگشت از انگشتان خداوندند و هرگونه خواهد آنها را دگرگون سازد» (عرایس البیان، ۱۱/۴-۱۰).

روزبهان در تفسیر ذوقی-عرفانی (تأویل) سوره مبارکه نحل هم به همین حدیث رجوع می‌کند. آیه می‌فرماید: «وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ» (قرآن، ۶۸/۱۶).^{۲۸} در کلام تأویلی روزبهان، وحی خداوند همان اراده او برای هدایت زنبور به انجام فرمان اوست. وی ابتدا حدیث مزبور را ذکر می‌کند و سپس با تشبیه «زنبور» به «دل و روح و جان و عقل»، درباره اینکه خدا با این وحی چگونه اراده‌اش را به ظهور می‌رساند، مینویسد: «زنبور دلها و روحها و جانها و عقلها را در کوههای انوار ذات و درختان انوار صفات و عرشهای انوار افعال می‌گرداند» (عرایس البیان، ۸۵/۴).

برخی از احادیث جعفری (ع) که روزبهان در شرح آیات قرآن به کار برده و در *عرایس البیان* چندین بار ملاحظه میشوند، گاهی با رویکرد تأویلی استفاده شده‌اند. یکی از این احادیث به موضوع نقش خداشناسی در زدودن آرزوهای دنیوی از دل مؤمنان اشاره دارد. موضوع آیه‌ای از سورة مبارکه نمل مشورت ملکه سبا با بزرگان دربارش پیرامون موضوعی است که قرار است نسبت به نامه حضرت سلیمان نبی (ع) اتخاذ کنند: ^{۲۸} «قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعِزَّةَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ» (قرآن، ۳۴/۲۷). ^{۲۹} روزبهان با رویکرد تأویلی (تفسیر ذوقی-عرفانی) به شرح این آیه پرداخته است: وی منظور از «ملوک» را «معرفت الهی» و کلمه «قریه» را رمزی برای «دل انسان» در نظر گرفته است و می‌نویسد: «چون سلطان وجد و محبت و معرفت و مشاهده در دل عارفان وارد شود، بر غیر خدا از عرش تا فرش غیرت ورزد و جز انوار بیظلمت و صفای بیکدورت و جمع بیتفرقه و ذکر بیفترت و.... باقی نگذارد و اوصاف نفس اماره ستوده گردد و درهای دل بر شیاطین بسته شود و روح بدون حجاب حق را مشاهده نماید» (عرایس البیان، ۱۹/۵). وی سپس به حدیثی از امام جعفر صادق (ع) متوسل میشود و درباره آن حدیث (عوالی اللّٰهالی، ۱۶/۴) ^{۳۰} چنین مینویسد: «به دل مؤمنان اشاره نمود، آنگاه که معرفت بر دلها وارد شود، همه آرزوها و خواسته‌ها بزدايد. از اینرو، در دل جایی برای غیرالله باقی نماند» (عرایس البیان، ۱۹/۵).

با تقسیم مجموع شواهد قرآنی-حدیثی کتاب به دو گروه «تفسیری»؛ یعنی پایبندی نسبی به معنای لفظی کلمات و عبارات و «تأویلی»؛ یعنی عدول از معنای ظاهری به سود دریافت‌های شخصی (حاجی ربیعی، ۱۳۹۴: ۱۳۶-۱۳۵)، میتوان گفت چنانچه مقایسه‌ای میان «تفسیر ذوقی-عرفانی» آیات و احادیث با مجموع دو رویکرد «قرآن به قرآن» و «بالمأثور» انجام دهیم، از میان ۷۷۲ شاهد تفسیر قرآن به قرآن ۳۸۸ شاهد جنبه تأویلی بارز دارند و این عدد برای ۶۰۰ حدیث به کار رفته در عرایس البیان ۳۰۲ مورد است که برای هریک از آنها شواهدی را بررسی کردیم.



اگرچه قرابت میان فراوانی دو جنبه تفسیر و تأویلی با یکدیگر و نیز همسانی نتایج برای کاربرد آیات و احادیث، این نگرش را ایجاد میکند که در عرایس البیان جنبه تأویلی غالب نباشد، اما باید توجه داشت که این نتایج محدود به تفسیرهایی است که در آنها از آیه یا حدیث برای شرح یک آیه استفاده شده، در حالی که شواهد بسیار فراوان دیگری در این کتاب وجود دارد که جنبه‌های تأویلی بارز دارند، اما از آنجا که در دایره مطالعات این جستار نبودند،

به آنها پرداخته نشد. از اینرو، باید چنین گفت که اگرچه بر مجموع کتاب عرایس البیان رویکرد تأویلی غالب است، اما در مواردی که در شرح یک آیه از آیه‌ای دیگر یا حدیث استفاده شده، دو رویکرد تأویل و تفسیر در تعادل قرار دارند.

نتیجه‌گیری

این پژوهش که بر روشهای تفسیری شیخ ابی‌نصر صدرالدین ابومحمد روزبهان بقلی فسایی (۶۰۶-۵۲۲هـ.ق) از جمله عرفای قرن ۶ هجری، در کتاب *عرایس البیان* متمرکز است، سه شیوه شرح آیات قرآن به کمک آیات و احادیث را که عبارتند از «تفسیر قرآن به قرآن»، «تفسیر بالمأثور» (روایی) و «تفسیر ذوقی-عرفانی» (تأویل)، مطالعه کرده است.

در ۷۷۲ شاهد تفسیر قرآن به قرآن در *عرایس البیان*، با فراوانی نسبی ۴۴٪ (نسبت به روش روایی با فراوانی ۵۴٪)، یک آیه از قرآن کریم توسط آیه (آیات) دیگری از همان سوره (روش درون‌سوره‌ای) یا آیات سایر سور قرآن (روش برون‌سوره‌ای) شرح میشود. در این رویکرد تفسیری، روزبهان ترجیح میدهد که از روش برون‌سوره‌ای استفاده کند، چه، فراوانی این روش (۹۳٪) نسبت به فراوانی روش درون‌سوره‌ای (۷٪) غلبه تام دارد.

در *عرایس البیان*، روزبهان ضمن تفسیر بالمأثور (روایی) از ۶۰۰ حدیث، شامل احادیث قدسی (۷،۲٪) و سخنان معصومین (۹۲،۸٪) بهره برده است. اولویت روزبهان احادیث نبوی (۶۲،۳٪) و سپس سخنان حضرت امام صادق (۲۵،۵٪) و با بسامدی کمتر، احادیث امام علی (۵٪) است. احادیث سایر ائمه کرام (ع) سهم ناچیزی در تفسیر روایی او دارد.

سومین رویکرد تفسیری که در این جستار بررسی شد «تفسیر ذوقی-عرفانی» یا «تأویل» یا «تفسیر به‌رأی» است. در این موارد، روزبهان از معنای لفظی کلمات و عبارات عبور کرده و بجای آن، به دریافت شخصی خویش بها داده است.

در *عرایس البیان*، مجموع شواهد تأویل شامل تفسیر ذوقی-عرفانی آیات قرآن «بدون کمک آیات دیگر و احادیث» و «با استفاده از آیات و روایات» است. قسم نخست اگرچه سهم بسزایی در شرحهای روزبهان دارند، اما از دامنه بررسیهای این جستار خارجند. شواهد قسم دوم، بر اساس دیدگاهی که شرح آیات قرآن را به «تفسیر» و «تأویل» طبقه‌بندی میکند، به دو زیرگروه قابل تقسیم است.

مطالعات جستار حاضر نشان میدهد که در *عرایس البیان*، شواهد رویکردهای «تفسیری» (۵۰٪) و «تأویلی» (۵۰٪) با بسامد نسبی همسانی دارند. این فراوانی در باب «تأویل با کمک سایر آیات قرآن» و «تأویل با کمک حدیث» نیز صدق میکند و به همین نسبت است. با وجود این، باید در نظر داشت که مجموع شواهد تأویل آیات قرآن که در آنها از آیات و روایات استفاده نشده، بسیار بیشتر از شواهدی است که روزبهان در آنها از آیه و حدیث بهره برده است. از اینرو، این نتیجه به دست می‌آید که در *عرایس البیان*، رویکرد غالب تأویلی است، اما هرگاه روزبهان به تفسیر قرآن به قرآن یا تفسیر روایی گراییده، فراوانی روشهای «تفسیر» و «تأویل» در تعادل قرار دارند.

این یافته‌ها، برای تعدیل دیدگاه برخی محققان که *عرایس البیان* را صرفاً یک شرح ذوقی-عرفانی بر قرآن کریم معرفی میکنند، میتواند نقش مؤثری ایفا کند. بعلاوه، این جستار نشان میدهد که روزبهان بقلی تسلطی فراگیر بر آیات و روایات دارد و از حضور ذهن و قدرت تداعی معانی قوی بهره‌مند است؛ زیرا کشف ارتباطات متعدد ظریف و دقیق میان آیه‌ای که شرح میشود با آیه (آیات) یا حدیث (احادیث) که در شرح استفاده میشود، بدون چنین دانش

و استعدادی میسر نمی‌ماید.

پینوشت:

۱- و اینگونه پروردگارت تو را برمیگزیند و از تعبیر خوابها به تو میاموزد و نعمتش را بر تو و بر خاندان یعقوب تمام و کامل میکند، همانگونه که پیش از این، بر پدران ابراهیم و اسحاق تمام کرد. به یقین، پروردگار تو دانا و حکیم است (قرآن، ۶/۱۲). ۲- گفتند بخدا سوگند، خداوند تو را بر ما برتری بخشیده و ما خطاکار بودیم (قرآن، ۹۱/۱۲). ۳- سورة بقره محل اجتماع موضوعات قرآنی است (مستدرک الوسائل، ۳۳۴/۴). ۴- خداوند شما را از (نافرمانی) خودش برحذر میدارد (قرآن، ۳۰/۳). ۵- و از روزی بپرهیزید (و بترسید) که در آن روز، شما را به‌سوی خدا بازمیگردانند (قرآن، ۲۸۱/۲). ۶- پس تا میتوانید تقوای الهی پیشه کنید (قرآن، ۱۶/۶۴). ۷- خداوند هیچکس را، جز به اندازه توانایی او، تکلیف نمی‌کند (قرآن، ۲۸۶/۲). ۸- ما امانت (تعهد، تکلیف و ولایت الهیه) را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه داشتیم (قرآن، ۷۲/۳۳). ۹- بدرستی که رحمت من بر غضبم پیشی گرفته است (کافی، ۲/۲۷۴). ۱۰- اگر خداوند شما را یاری کند، هیچکس بر شما پیروز نخواهد شد و اگر دست از یاری شما بردارد، کیست که بعد از او شما را یاری کند؟ و مؤمنان فقط بر خداوند باید توکل کنند (قرآن، ۱۶۰/۳). ۱۱- پروردگارا آنچه را به‌وسیله پیامبران به ما وعده فرمودی، به ما عطا کن و ما را در روز رستخیز، رسوا مگردان؛ زیرا تو هیچگاه از وعده خود تخلف نمی‌کنی (قرآن، ۱۹۴/۳). ۱۲- کلیدهای غیب تنها نزد اوست (قرآن، ۵۹/۶). ۱۳- و خداوند با موسی سخن گفت (قرآن، ۱۶۴/۴). ۱۴- من در آسمان و زمینم درمی‌گنجم؛ ولی قلب بنده مؤمنم مرا در خود جای میدهد (کافی، ۱۲۸/۲). ۱۵- قلب بنده مؤمن بین دو انگشت از انگشتان خداوند رحمان است و آن را هر طور که بخواهد دگرگون میکند (سنن ابن ماجه، ۱۲۶۰/۲). ۱۶- آنها که کافر شدند میگویند تو پیامبر نیستی. بگو کافی است که خداوند و کسی که علم کتاب (و آگاهی بر قرآن) نزد اوست، میان من و شما گواه باشد (قرآن، ۴۳/۱۳). ۱۷- هر کس مرا ببیند، پس حق را دیده است (صحیح بخاری، ۳۰۶-۳۰۵). ۱۸- پایداری نمایید و نمیتوانید (همه اعمال را) دریابید و بدانید که بهترین اعمال شما نماز است و جز مؤمن کسی بر وضوی خویش مواظبت نمی‌کند (سنن ابن ماجه، ۲۷۷). ۱۹- پس همانگونه که فرمان یافته‌ای، استقامت کن و همچنین کسانی که با تو به‌سوی خدا آمده‌اند (باید استقامت کنند) و طغیان نکنید که خداوند آنچه را انجام میدهید، میبیند (قرآن، ۱۱۲/۱۱). ۲۰- خداوند متعال در کتاب خود برای مردم تجلی کرده، بدون آنکه بتوانند او را ببینند (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷). یادآوری: اگرچه روزبهران این روایت را با صورتی دیگر به امام علی (ع) نسبت داده؛ یعنی صورتی بسیار قریب به آنچه در متن وی آمده، اما در منابع حدیث، سخن مزبور منسوب به امام صادق (ع) است که میفرماید: «لَقَدْ تَجَلَّى اللَّهُ لَخَلْقِهِ فِي كَلَامِهِ وَ لِكَنَّهُمْ لَا يَبْصُرُونَ». ترجمه: خداوند تجلی کرد برای خلقش در قرآن، ولی مردم نمیبینند (عوالی اللالی، ۱۱۶/۴). ۲۱- این بیانی است برای عموم مردم و هدایت و اندرزی برای پرهیزگاران است (قرآن، ۱۳۸/۳). ۲۲- من سرور فرزندان آدمم و فخر نمیکنم (سنن ابن ماجه، ۳۴۹۶). ۲۳- این فراوانی با در نظر گرفتن مسمای چندگانه اسم «جعفر» در کتاب روزبهران است. بر اساس تحقیقات صورت‌یافته، در کتاب عرایس/البیان، مسمای اسم «جعفر» فقط در برخی از موارد حضرت امام جعفر صادق (ع) است و در مواردی دیگر، به اشخاصی غیر از ایشان اشاره دارد (علی بابایی، ۱۳۸۸: ۱/ سی و سه). ۲۴- البته این مشروط بر آن است که در استناد به حدیث نگاه ذوقی نداشته باشد. ۲۵- گفت آن را بگیر و نترس؛ ما آن را به صورت اولش بازمیگردانیم (قرآن، ۲۱/۲۰). ۲۶- و آن را از هر شیطان رانده‌شده‌ای حفظ کردیم (قرآن، ۱۷/۱۵). ۲۷- و پروردگار تو به زنبور عسل وحی (و الهام غریزی) نمود که از کوه‌ها و درختان و

داربستهایی که مردم میسازند، خانه‌هایی برگزین (قرآن، ۶۸/۱۶). ۲۸- حدیث مذکور در کلام روزبهان با صورتی نزدیک به نسخه‌ای است که ابوعبدالرحمان سُلَمی (ف. ۴۱۲هـ.ق) آورده است (حقایق التفسیر، ۴۸/۱)، حال آنکه در منابع شیعه (اصول کافی، ۲۴۷/۸) شکل کاملتر این حدیث ملاحظه می‌شود. ۲۹- گفت پادشاهان هنگامی که وارد منطقه آبادی شوند، آن را به فساد و تباهی میکشند و عزیزان آنجا را ذلیل میکنند؛ (آری) کار آنان همینگونه است (قرآن، ۳۴/۲۷).

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه یزد استخراج شده است. آقای دکتر مهدی ملک ثابت این رساله را بر عهده داشته‌اند و طراح اصلی این مطالعه و نویسنده مسئول بوده‌اند. آقای دکتر محمد خدادادی بعنوان مشاور و سرکار خانم مهدیه پیری اردکانی دانشجوی دوره دکتری پژوهشگران این رساله در گردآوری و تنظیم متن نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر می‌باشد.

تشکر و قدردانی

از دانشگاه یزد و بویژه از معاونت تحصیلات تکمیلی و معاونت پژوهشی بخاطر همکاری‌های فراوان در ایجاد شرایط مناسب جهت فعالیتهای آموزشی و تحقیقی جهت اینجانب کمال تشکر و قدردانی‌ام را ابراز میدارم.

عدم تعارض منافع

نویسنده این مقاله گواهی مینماید که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی نویسنده است و او نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارد. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول (دکتر فوزیه پارسا) است و او مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرد.

REFERENCES

- The Holy Qur'an*. (2010). Trans. by N. Makarem Shirazi. 2nd print, Qom: Nashta.
- Nahj al-Balaqa*. (1991). Translated by S. J. Shahidi. 2nd print, Tehran: Enghelab Islami.
- Abi Jumhur al-Hasa'i, M. A. (1982), *Awali al-Leali al-Aziziyya fi al-Ahadith al-Diniya*, Qom: Seyyed al- Shahada.
- Afifi, A. (1366). *Introduction to Fosus al-Hekam* (Mohi al-Din Ibn Arabi). Tehran: Zahra (S).
- Al-Sassawi, S. (1987). "Ruzbihan and interpretation in Araish al-Bayan". *Religious and Mysticism Journal*, winter and spring, 1(2-3), 12-32.
- Babaei, A. (2009). The introduction of *Araish al-Bayan in the facts of the Qur'an* (Abu Muhammad ibn Abu Nasr Ruzbihan Baqli Shirazi). Tehran: Mola.
- Bukhari, M. (1985). *Sahih al-Bukhari*. Intr. by M. M. Dameshqi, Beirut: al-Bukhari.

- Ernst, C. (2008). *Ruzbihan Baqli: mysticism and the rhetoric of sainthood in Persian Sufism*. Tehran: Nashr-e Markaz.
- Feiz Kashani, M. M. (1994). *Safi interpretation*. Ed. H. Alami, Tehran: Sadr.
- Haji Rabi, M. (2016). "A comparative study of Ibn Arabi's mystical interpretation with contemporary hermeneutic discussions". *Religious Thoughts journal*. 15(57)57, 133-50.
- Hor Ameli, M. (1993). *Shiite equipment*. Qom: Al-Al-Bayt Foundation.
- Ibn Manzur, A. J. M. (1999). *Lisan al-Arab* (the Language of Arabs), by A. A. al-Kabir, M. A. Hasabollah & H. M. al-Shazly, Cairo: Dar Al-Ma'arif.
- Ibn Majah al-Qazwini, A. A. (1989). *Sunan Ibn Majah*. By A. al-Rajehi, Beirut: Dar Al-Elmiya.
- Javadzadeqan, N. (2022). "A study of the aims and intellectual goals of the same judges of Hamedan regarding mystical interpretation", *Journal of the Stylistic of Persian poem and prose*. 15(1) 71, April, 137-153.
- Kayseri, M. (1991). *Description of the introduction to Fosus al-Hekam*. by S. J. Ashtiani, Tehran: Amir Kabir.
- Keeler, A. (2016). *1Sufi Hermeneutics: The Qur'an Commentary of Rashīd Al-Dīn Maybudī*. Trans. by J. Qasemi. Tehran: Mirath Mattoob.
- Khayatian, Q. & F. Soleimani Kushali. (2014). "The Place of Love in the Mystical Interpretation of Ruzbihan Baqli's Arais al-Bayan." *Mystical and Mythological Literature Journal*. Winter, 11(41), 167-194.
- Koleini, A. J. M. (2008). *Al-Kafi* (suffice). By A. A. Qafari & M. Akhundi. 2nd print, Tehran: Al-Alamiyah Institute for Islamic Services.
- Mirdamadi, S. M. (2006). "The Mystical and Exegetical Opinions of Ruzbihan Shirazi (Baqli)". *The Messenger of Light Journal*, 4(1), 39-49.
- Modarresi, F. & Lavoje, T., (2010), "Comparison of Ahmad Ghazali and Abulfazl Rashid al-Din Meybodi's styles in interpretation of Qur'an", the *Stylistic of Persian Poem and Prose journal* (Bahar-e adab), 3(1)7, spring, 101-118.
- Molla Sadra Shirazi, S. M. (1989). *Al-Hekma al-Mota'alia* (Transcendent theosophy). 4th print. Beirut: Dar Ehya al-Torath al-Arabi.
- Nader Ali, A. (2010). "Schools of interpretation". *Journal of Qur'anic Language and Sciences*, spring and summer, 2(5-6), 7-20.
- Nayeri, M. Y. & L. Roqangiri. (2013). "Comparison of Ruzbihan's mystical interpretations in Abhar al-Ashqin and Arais al-Bayan". *Poetic Studies Journal*, Fall, 4(3), 159-184.
- Raqeb Esfahani, A. H. (2012). *Mofradat-e Alfaz-e Quran* (Vocabulary of Quranic words). Ed. S. A. Davoudi, Tehran: Amirkabir.
- Rezaei Esfahani, M. A. (2001). *A research on the scientific miracle of the Qur'an*. Tehran: Mobin.
- Ruzbihan Baqli Shirazi, A. M. (2009). *Arais al-Bayan in the truths of the Qur'an*. Trans. & researched by A. Babaei. Tehran: Mola.

- Salmi, A. M. (1990). *A collection of works by Abu Abd al-Rahman Salmi, Sections of Haqiq al-Tafseer and other messages*. by N. Pourjavadi, Tehran: Academic Publishing Center.
- Sayed ahl, A. A. (1972). *From the scientific points in the Holy Qur'an*. Beirut: Dar al-Nahzah al-Hadithah.
- Sheikh al-Islami, A. & M. Rezaei. (2011). "Insight of the role of Rozbahan's thinking in interpreting Arais al-Bayan in Qur'an's truth." *Persian Literature Journal*. Summer, 1(6)193, 39-56.
- Soltani, F. (2022). "Investigation of mystical interpretations of similar Qur'anic verses in the works of Ruzbihan Baqli with a view to the theory of intertextuality". *Journal of Literary-Qur'anic Researches*. 10(1), 22-43.
- Tabarsi Nouri, H. T. (1962). *Mustardak al-Wasail*. Supervised by: M. Khansari, Tehran: Islamic Printing House.
- Tabatabaei, S. M. (1997). *Tafsir al-Mizan* (Interpretation of Qur'an). Trans. by N. Makarem Shirazi. Tehran: Amir Kabir.
- Tarihi, F. M. (1996). *Majma-ul-Bahrain* (The confluence of the two seas). Trans. and researched by A. Hosseini Ashkvari. Tehran: Mortazavieh.
- Zarakshi, M. (1987). *Logic in the sciences of the Qur'an*. Ed. by M. A. Ibrahim. Beirut: Dar al-Hadith.

فهرست منابع فارسی

- قرآن کریم، (۱۳۸۹)، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، ج ۲، قم: نشتا.
- نهج البلاغه، (۱۳۷۰)، ترجمه سیدجعفر شهیدی، ج ۲، تهران: انقلاب اسلامی.
- ابن ماجه القزوینی، ابی عبدالله محمدبن یزید. (۱۴۱۰ق)، سنن ابن ماجه، به اهتمام عبدالعزیز الرآجی، بیروت: دار العلمیه.
- ابی جمهور الحسائی، محمدبن علی. (۱۴۰۳ق)، عوالی الثنالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیّه، قم: سیدالشهدا.
- ابن منظور، أبی الفضل جمال الدّین محمد، (۱۹۹۹م)، لسان العرب، بالاهتمام عبدالله علی الکبیر، محمد احمد حسب الله و هاشم محمد الشاذلی، قاهره: دارلمعارف.
- ارنست، کارل، (۱۳۸۷)، روزبهان بقلی: عرفان و شطح اولیا در تصوّف اسلامی، ترجمه مجدالدین کیوانی، ج ۵، تهران: نشر مرکز.
- بابایی، علی، (۱۳۸۸)، مقدمه عرایس البیان فی حقایق القرآن (ابومحمدبن ابونصر روزبهان بقلی شیرازی)، تهران: مولی.
- بخاری، محمدبن اسماعیل، (۱۴۰۶ق)، صحیح البخاری، با مقدمه محمدمنیر دمشقی، بیروت: البخاری.
- جوادزادگان، نادر، (۱۴۰۱)، «بررسی اغراض و اهداف فکری عین القضاة همدانی پیرامون تأویل عرفانی»، مجله سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، دوره ۱۵، پیاپی ۷۱، صص ۱۵۳-۱۳۷.
- حاجی ربیع، مسعود، (۱۳۹۴)، «بررسی تطبیقی تأویل عرفانی ابن عربی با مباحث هرمنوتیکی معاصر»، مجله اندیشه دینی، دوره ۱۵، شماره ۵۷، پیاپی ۵۷، بهمن، صص ۱۵۰-۱۳۳.
- حرّ عاملی، محمدبن حسن، (۱۴۱۴ق)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت.

خیاطیان، قدرت‌الله و فاطمه سلیمانی کوشالی، (۱۳۹۴)، «جایگاه عشق در تفسیر عرفانی عرایس البیان روزبهان بقلی»، مجله ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی، سال ۱۱، شماره ۴۱، زمستان، صص ۱۹۴-۱۶۷.
راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، (۱۳۹۲)، مفردات الفاظ قرآن، به تصحیح صفوان عدنان داوودی، تهران: امیرکبیر.

رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۸۰)، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، تهران: مبین.
روزبهان بقلی شیرازی، ابومحمد بن ابونصر، (۱۳۸۸)، عرایس البیان فی حقایق القرآن، ترجمه و تحقیق: علی بابایی، تهران: مولی.

زرکشی، محمد بن بهادر، (۱۴۰۸ق)، البرهان فی علوم القرآن، به اهتمام محمدابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالحديث.
سلطانی، فاطمه، (۱۴۰۱)، «بررسی تأویلات عرفانی آیات متشابه قرآنی در آثار روزبهان بقلی با نگاهی به نظریه بینامتنیت»، مجله پژوهش‌های ادبی-قرآنی، دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۴۳-۲۲.

سلمی، ابوعبدالرحمن محمد بن حسین، (۱۳۶۹)، مجموعه آثار ابوعبدالرحمن سلمی، بخش‌هایی از حقایق التفسیر و رسائل دیگر، به اهتمام نصرالله پورجوادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

سیداهل، عبدالعزیز، (۱۹۷۲م)، من اشارات العلوم فی القرآن الکریم، بیروت: دار التّهضة الحديثه.
شیخ الاسلامی، علی و محمد رضایی، (۱۳۹۰)، «بینش نقش‌اندیش روزبهان در تفسیر عرایس البیان فی حقایق القرآن»، مجله ادب فارسی، دوره جدید (۱)، شماره ۶ (پیاپی ۱۹۳)، تابستان، صص ۵۶-۳۹.

الصاوی، صلاح، (۱۳۶۶)، «روزبهان و تفسیر عرایس البیان»، مجله ادیان مذاهب و عرفان، دوره ۱، شماره‌های ۳-۲، زمستان و بهار، صص ۳۲-۱۲.

طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۳۷۸)، تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چ ۵، تهران: امیرکبیر.
طبرسی نوری، حسین بن محمدتقی، (۱۳۸۲ق)، مستدرک الوسائل، به اهتمام محمود خوانساری، تهران: چاپخانه اسلامی.

طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، ترجمه و تحقیق: احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضویه.
عفیفی، ابوالعلاء، (۱۳۶۶)، مقدمه فصوص الحکم (محرر الدین ابن عربی)، تهران: زهرا (س).
فاتحی‌زاده، زهرا، (۱۳۹۹)، «گونه‌شناسی روش تفسیر قرآن به قرآن علامه طباطبایی در جزء اول قرآن کریم»، رساله حوزوی، به راهنمایی علی غفارزاده، اصفهان: مؤسسه آموزش عالی حوزوی فاطمه الزهرا (س).

فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، (۱۳۷۳)، تفسیر صافی، به تصحیح حسین اعلمی، تهران: صدر.
قیصری، محمد، (۱۳۷۰)، شرح مقدمه فصوص الحکم، به تحقیق و اهتمام سیدجلال الدین آشتیانی، تهران: امیرکبیر.
کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب ابن اسحاق، (۱۳۷۸)، الکافی، مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چ ۲، تهران: المؤسسة العالمیه للخدمات الاسلامی.

کیلر، آنابل، (۱۳۹۵)، هرمنوتیک صوفیانه در تفسیر کشف الاسرار میبدی، ترجمه جواد قاسمی، تهران: میراث مکتوب.

مدرّسی، فاطمه و طاهر لاوژه، (۱۳۸۹)، «مقایسه سبک تأویل احمد غزالی و ابوالفضل رشیدالدین میبدی»، مجله سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال ۳، شماره ۱، پیاپی ۷، بهار، ۱۳۸۹، صص ۱۰۱-۱۱۸.
ملاصدرا شیرازی، صدرالدین محمد، (۱۴۱۰ق)، الحکمه المتعالیه چ ۴، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

میردامادی، سیدمحمد، (۱۳۸۵)، «آراء عرفانی و تفسیری روزبهان شیرازی (بقلی)»، مجله پیک نور، دوره ۴، شماره ۱، صص ۳۹-۴۹.

نادر علی، عادل، (۱۳۸۰)، «مکاتب تأویلی»، مجله زبان و علوم قرآن، دوره ۲، شماره‌های ۵-۶، بهار و تابستان، صص ۷-۲۰.

نیری، محمدیوسف و لیلا روغنگیری، (۱۳۹۳)، «مقایسه تأویل‌های عرفانی روزبهان در عبهرالعاشقین و عرایس البیان»، مجله شعرپژوهی، سال ۴، شماره ۳، پاییز، صص ۱۵۹-۱۸۴.

معرفی نویسندگان

مهديه پیری اردکاني: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده زبان و ادبیات، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

(Email: 9700685@stu.yazd.ac.ir)

(ORCID: 0009-0008-4853-6396)

مهدي ملك ثابت: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده زبان و ادبیات، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

(Email: mmaleksabet@yazd.ac.ir: نویسنده مسئول)

(ORCID: 0000-0002-6882-9080)

محمد خدادادی: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده زبان و ادبیات، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

(Email: khodadadi@yazd.ac.ir)

(ORCID: 0000-0002-3453-6386)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Mahdieh Piri Ardakani: Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Language and Literature, Yazd University, Yazd, Iran.

(Email: 9700685@stu.yazd.ac.ir)

(ORCID: 0009-0008-4853-6396)

Mehdi Malek Sabet: Professor of the Department of Persian Language and Literature, Faculty of Language and Literature, Yazd University, Yazd, Iran.

(Email: mmaleksabet@yazd.ac.ir: Responsible author)

(ORCID: 0000-0002-6882-9080)

Mohammad Khodadadi: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Language and Literature, Yazd University, Yazd, Iran.

(Email: khodadadi@yazd.ac.ir)

(ORCID: 0000-0002-3453-6386)